



تعیین قاعده‌های صوري وابسته‌های پیشین گروه اسمي و کاربرد آن در ترجمه ماشيني

گزارش نهایی

مجري

سيد مهدي سمائي

خرداد ۸۹

فهرست مطالب

فصل اول	۴
۱-۱- مقدمه	۵
۱-۲- تعریف مسئله	۶
۱-۳- هدف	۷
۱-۴- تعریف واژه ها و اصطلاحات	۷
۱-۵- پیشینه تحقیق	۸
۱- صالقي	۹
۲- حق شناس	۳۰
۳- مشکوة الديني	۴۶
۴- سماني	۶۱
۵- ماهوتيان	۶۶
۶- کيت براون	۷۵
۷- سماني	۷۹
جدول مقایسه اي وابسته هاي پيشين	۱۰۱
فصل دوم	۱۰۲
۱-۲- شیوه استخراج قواعد :	۱۰۳
جدول شماره ۱	۱۰۳
جدول شماره ۲	۱۰۶
جدول شماره ۳	۱۱۳
جدول شماره ۴	۱۱۴
جدول شماره ۵	۱۱۶
جدول شماره ۶	۱۱۷
جدول شماره ۷	۱۱۹
نتیجه گیری	۱۲۰
فهرست منابع و مآخذ	۱۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل اول

۱-۱- مقدمه

زبان‌شناسی رایانه‌ای یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است که در آن فنون و مفاهیم علم رایانه را در تحقیقات حوزه‌های مختلف به کار می‌برند. یکی از حوزه‌های زبان‌شناسی رایانه‌ای ترجمه ماشینی است.

قواعد صوری دستور زبان مقصد یکی از ملزومات ترجمه ماشینی است. در ترجمه باید برای تمامی حوزه نحو زبان مقصد قواعدی صوری استخراج کرد. این قواعد که بسیاری از آن‌ها مستقل‌اند و می‌توان آن‌ها را بدون ارتباط با یکدیگر مشخص کرد، در نهایت به هم می‌پیوندند و قاعده‌ای منسجم برای نحو زبان مقصد می‌سازند. یکی از حوزه‌های نحو مربوط به گروه اسمی است. گروه اسمی مهم‌ترین سازه در پردازش دستور زبان فارسی است. گروه اسمی شامل وابسته‌های پیشین و پسین و هسته است. در این طرح قواعد صوری وابسته‌های پیشین برای کاربرد در ترجمه استخراج خواهد شد. این طرح در دو مرحله اجرا می‌شود. در مرحله اول منابعی که در آن‌ها به بررسی گروه اسمی پرداخته‌اند جمع‌آوری شده و وابسته‌های پیشین منابع مذکور تعیین شده‌اند.

۲-۱- تعریف مسئله

پردازش زبان یکی از حوزه های پژوهشی هوش مصنوعی است. ترجمه ماشین نوعی پردازش زبان از زبان مبدا به زبان مقصد است. زبان مبدا زبانی است که باید به زبانی دیگر (زبان مقصد) ترجمه شود. می توان گفت که در ترجمه ماشینی قواعد دستوری زبان مبدا به قواعد دستوری زبان مقصد ترجمه می شود. بدیهی است که منطق و عملکرد ترجمه ماشینی ایجاب می کند قواعد دو زبان مذکور در حافظه رایانه تعبیه شود. قواعدی که بدین صورت استخراج می شود باید به گونه ای باشد که استثناء نداشته باشد و شم زبانی در آن تاثیری نداشته باشد. گستردگی این قواعد ایجاب می کند که ابتدا تقسیم بندی و سپس استخراج شوند. در این طرح قاعده های صوری وابسته های پیشین گروه اسمی با هدف کاربرد در ترجمه ماشینی استخراج خواهد شد. گروه اسمی یکی از مهم ترین سازه های نحوی زبان فارسی و اغلب زبان های دنیا است که نقش مهمی در قواعد نحوی دارد. هر گروه اسمی یک هسته و یک مجموعه وابسته دارد. وابسته های پیش از اسم را وابسته های پیشین و وابسته های پس از هسته را وابسته های پسین می نامند. وابسته های پیشین گروه اسمی به طبقات مشخصی نظیر صفت های اشاره و اعداد و صفت مبهم و صفت عالی و صفت های پرسشی و تعجبی و شاخص ها تقسیم می شوند. این طبقات هریک دارای اعضای هستند. اعضای طبقات مذکور با قواعدی روی محور هم نشینی در کنار هم قرار می گیرند و قاعده های باهم آیی خاصی دارند. یعنی هم از لحاظ تقدم و تاخر و هم از نظر نوع وابسته ها تابع قاعده هستند. از طرفی برخی از این عناصر مانعة الجمع اند.

۱-۳- هدف

تعیین قاعده های صوری وابسته های پیشین گروه اسمی و کاربرد آن در ترجمه ماشینی.

۱-۴- تعریف واژه ها و اصطلاحات

- هسته: هر گروه اسمی از يك اسم یا ضمیر و يك رشته وابسته تشکیل می شود. اسم یا ضمیر مذکور را هسته گروه اسمی می نامند.

- وابسته پیشین: وابسته هایی هستند که قبل از گروه اسمی می آیند.

- وابسته پسین: وابسته هایی هستند که بعد از گروه اسمی می آیند.

- گروه اسمی: يك گروه نحوی است که از يك کلمه یا گروهی از کلمات ساخته می شود. هنگامی که گروه اسمی با گروهی از کلمات ساخته شده باشد يك هسته و تعدادی وابسته دارد. هسته گروه اسمی معمولاً اسم یا ضمیر است. وجود هسته اجباری و وابسته ها اختیاری است. اگر گروه اسمی فقط از يك کلمه ساخته شده باشد همان کلمه هسته گروه اسمی خواهد بود.

۵-۱- پیشینه تحقیق^۱

گزارش این پژوهش در دو مرحله ارائه شده است. در گزارش مرحله اول به طور مفصل به بررسی پژوهش‌هایی که امکان استخراج قواعد کامل و صوری وابسته پیشین گروه اسمی فارسی از آن‌ها وجود داشت پرداخته شد. همچنین يك مورد پژوهش غیرفارسی در باره گروه اسمی با مثال‌هایی از زبان انگلیسی به عنوان نمونه بررسی شد. صادق، حق شناس، ماهوتیان، سمائی، مشکوة‌الدینی و پاینه از جمله کسانی هستند که کار آن‌ها در مرحله اول بررسی شده است.

^۱ متن کامل گزارش مرحله اول در این قسمت تکرار می‌شود.

۱- صادقی

گروه اسمی و اسم

گروه اسمی به گروهی از کلمات گفته می شود که از یک اسم به عنوان هسته و یک یا چند وابسته ساخته شده باشد. کتاب، کتاب من، کتاب خوب، کتاب خوب من،

گروه اسمی در کوتاهترین جمله معمولاً در نقش نهاد به کار می رود: دوست برادر من آمد. اما در جمله هایی که فعل ربطی (بودن) است می تواند به عنوان مسند نیز به کار رود: پرویز، برادر بزرگ من است.

از جمله گسترده گروه اسمی در نقش متمم مفعولی به کار می رود: او برادر من را ندیده است.

در بعضی موارد بعضی از گروه های اسمی در نقش گروه قیدی نیز به کار می روند: سال گذشته من به مسافرت رفتم. در سال آینده هم به موفقیت های تازه ای دست خواهی یافت.

در گروه اسمی وجود هسته اجباری است ولی ممکن است هیچ وابسته ای همراه هسته به کار نرفته باشد. بنابراین وجود وابسته ها اختیاری است: غم، چاشنی زندگی است. مردم آزادی را دوست دارند.

وابسته های اسم، از خاصه های اسم به شمار می روند و از روی آن ها می توان دریافت که فلان کلمه، اسم است یا نه.

دسته ای از وابسته های اسم قبل از آن و دسته ای دیگر بعد از آن قرار می گیرند. دسته اول را وابسته های پیشین و دسته دوم را وابسته های پسین می نامند.

وابسته های پیشین عبارتند از صفت های اشاره، اعداد، صفت های پرسشی ...

وابسته های پسین عبارتند از صفت بیانی، مضاف الیه، - ی نکره ...

وابسته های پیشین

وابسته هایی که قبل از هسته قرار می گیرند، وابسته های پیشین نامیده می شوند. وابسته های پیشین عبارتند از صفت های اشاره، اعداد ترتیبی و صفت های عالی، صفت های مبهم، عددهای اصلی، صفت های پرسشی، صفت های تعجبی، یک نکره. این وابسته ها بدون هیچ گونه واسطه قبل از اسم قرار می گیرند و اکثر آن ها می توانند به جای اسم به کار روند. بعضی از این وابسته ها وقتی همراه هسته به کار می روند مانع می شوند که بعضی از وابسته های دیگر بتوانند همراه اسم بیایند. از وابسته هایی که نام بردیم حداکثر سه وابسته پیشین می تواند همراه اسم بیاید. اینک شرح انواع وابسته های پیشین:

۱- **صفت های اشاره** – صفت های اشاره عبارتند از: این، آن، همین، همان. کلمه های

چنین و چنان (چن+این. چن+آن) نیز گاهی به عنوان وابسته اسم به کار می روند:

چنین مردی هرگز ندیده بودم. چنان خبری هرگز نشنیده بودم.

صفت های اشاره/این و آن و همین و همان اسم را معرفی می کنند:

کتابی خریدم ← این کتاب را خریدم.

کتابی این جا نیست. همین کتاب این جاست.

کلمات *چنین* و *چنان* متضمن معنی اشاره و تشبیه اند. این کلمات در حقیقت متمم اسم

هستند و می توانند بعد از اسم قرار گیرند: مردی چنین. اسمی که با این کلمات همراه است

غالباً بایک یای نکره همراه است:

چنین مردی را نمی توان ندیده گرفت. چنین کتابی در هیچ کتابخانه ای نیست (=

کتابی مانند این). چنان کاری از دست هر کس بر نمی آید (=کاری مانند آن). هم چنین از

کلمات *همچو* و *همچی* (در گفتار): *همچو* کتابی ندیدم.

کلمه همچو نیز از نظر معنی مانند چنین است با این تفاوت که همچو بعد از اسم قرار نمی گیرد. این کلمات درگفتار به شکل همچی به کار می رود. این با کلمات هم و قدر همراه می گردد و گروه های این همه و این قدر را می سازد و علاوه بر اشاره، زیادی مقدار و تعداد را می رسانند: این همه کتاب داری. این قدر فرش داری.

این و آن با کلمات جا، وقت، طور، جور، قدر و غیره کلمات این جا، آن جا، این وقت، آن وقت، این طور، آن طور، این جور، آن جور، این قدر، آن قدر و غیره را می سازند. بعضی از این کمه ها در نقش گروه اسمی و برخی از آن ها در نقش گروه قیدی به کار می روند.

در نقش گروه اسمی : این جا خوب نیست. آن جا را ندیده ام. این قدر کافی است.
در نقش گروه قیدی: بیا آن جا، آن جا هوا سرد است. آن وقت دنیا بهشت خواهد شد.
این طور باید حرف زد. این قدر حرف نزن ...

کلمه/این قدر می تواند وابسته اسم یا وابسته صفت دیگر باشد:

وابسته اسم: این قدر پول برای او زیاد است.

وابسته قید: این قدر زیاد نخند.

وابسته صفت: گلی که این قدر زیبا باشد ندیده بودم.

کلمه/این طور و این جور نیز می توانند وابسته صفت باشد: خانه ای این طور خراب ندیده ام. کوچه ای این جور تنگ کمیاب است.

کلمات این نوع، این گونه و غیره یک جا به اسم بعد از خود وابسته می شوند: این نوع پارچه.
بعضی از کلمات بالا مانند جا و وقت و طور و غیره با صفت های اشاره مرکب نیز به کار می روند: همین جا، همان جا، همین قدر، همان قدر، چنین جایی، چنان وقتی ...

این و آن گاهی با کلمه یک و یکی که در حکم اسم است همراه می گردند: آن یکی را بیاور. این و آن و همین و همان می توانند به جای اسم بنشینند و نقش خصوصیات اسم را داشته باشند: این را دیدم. آن را می گویم. همین ها آمدند. این می گوید

۲- عدد های ترتیبی و صفت های عالی- عدهای ترتیبی ترتیب و مقام و درجه اسم را می رسانند: نفر پنجم، پنجمین نفر. چنان که دیدیم دو گونه عدد ترتیبی در فارسی وجود دارد:

الف- این گروه از افزودن ـ م به آخر اعداد اصلی ساخته می شوند:

عدد اصلی + ـ م ← عدد ترتیبی

پنج + ـ م ← پنجم

به جای یکم، گاهی نخست و بیشتر اول به کار می رود: نفر اول، فصل نخست. اما در اعداد ترکیبی نمی توان به جای یکم، نخست و اول را به کار برد: نفر بیست و یکم. طبقه چهل و یکم.

عدهای دو و سه، پس از افزودن ـ م مختصر تغییری پیدل می کنند و به صورت دوم (یا دیم) و سوم (یا سیم) در می آیند. صورت های دیم و سیم را امروزه معمولاً در گفتار به کار می برند.

این دسته از اعداد ترتیبی معمولاً بعد از اسم می آیند و صفت شمرده می شوند و میان آن ها و اسم، کسره اضافی قرار می گیرد: نفر پنجم، کلاس سوم. اما گاهی در پاره از موارد قبل از اسم نیز می آیند که در این صورت از وابسته های پیشین اند: اول شاگرد، سوم شخص. این عدهای ترتیبی می توانند به جای اسم به کار روند و در این حال غالباً با ـی نسبت همراه هستند:

اولی ها از دومی ها خیلی جلوترند. اولی را گرفتم ولی دومی فرار کرد.

ب- گروهی دیگر از اعداد ترتیبی با افزودن *سین* به عددهای ترتیبی گروه اول ساخته می شوند:

هفت + - م + ین ← هفتمین

ین به کلمه های *اول* و *نخست* و *آخر* که خود به خود مفهوم ترتیب را دارند نیز افزوده می شوند: *اولین*، *نخستین*، *آخرین*.

این گروه از اعداد ترتیبی از وابسته های پیشین اسمند و اغلب پیش از اسم می آیند: پنجمین درس، دهمین بار، آخرین بار.

اسمی که بعد از این دسته از عددهای ترتیبی می آید معمولاً مفرد است. پنجمین سال زندگی او بود. دومین بار بود که او را می دیدم. اما گاهی نیز می تواند جمع باشد: سومین نفرات (یعنی سه نفر که در سه دسته، نفر سومند).

اسمی که همراه *نخستین* و *اولین* و *آخرین* می آید، می تواند جمع باشد: آخرین ناله های او را شنیدم. پرستوها در اولین روزهای بهار نخستین نغمه های خود را به گوش ما می رسانند. در این موارد آخرین ناله ها، ناله های آخر و نزدیک به آخر را می رسانند و اولین روزها در روز اول و روزهای نزدیک به اول را.

اسم بعد از عددهای ترتیبی به خاطر انحصار، یعنی دلالت بر یک یا چند مورد مشخص و منحصر، معرفه به شمار می آیند و نشانه نکره نمی گیرند.

صفت عالی (صفت برترین)- صفت های عالی به صفاتی گفته می شود که نشانه -

ترین در آخر آن ها آمده است: بزرگ ترین، بهترین. صفت های عالی عموماً قبل از اسم می آیند: بزرگترین خانه، بهترین دانشجو.

اسم بعد از صفت عالی ممکن است مفرد یا جمع باشد:

مفرد: فردوسی بزرگ ترین شاعر حماسه سرای ایران است (یک شاعر که در حماسه سرایی از همه بزرگ تر است).

جمع: سعدی و فردوسی و حافظ زرگترین گویندگان ایران هستند (= سه گوینده که از همه گوینگان بزرگ ترند). هدایت و آل احمد از بزرگ ترین نویسندگان معاصرند (= هدایت و آل احمد جزو گروه چند نفری بزرگ ترین نویسندگان معاصرند).

صفت های عالی و عدهای ترتیبی گروه دوم از جنبه معنایی یعنی از این نظر که انحصار را می رسانند و نیز از نظر ساختمانی و از این نظر که هر دو قبل از اسم قرار می گیرند، از یک مقوله به شمار می روند: دهمین خانه (از میان خانه ها ن که منحصرأ شماره دهم است). بهترین خانه (از میان خانه ها آن که منحصرأ از همه بهتر است). صفت های عالی هرگاه ه صورت مضاف به کار روند در حکم اسم اند: گرامی ترین مردم، پرهیزگارترین آن هاست.

عدهای ترتیبی و صفت های عالی مانند صفت های اشاره اسم را معرفه و محدود می کنند و به همین دلیل در آن واحد هر دو می توانند وابسته یک اسم باشند: همان اولین خانه را فروختم. آن زرگترین شاعر چنین گفت. اعداد ترتیبی و صفت های عالی از آن جا که انحصار را می رسانند نمی توانند با عدهای اصلی با همرا اسمی به کار روند.

۳- صفت های مبهم- صفت های مبهم به آن دسته از وابسته های پیشین اسم گفته می

شود که خصوصیت غیر معینی را به اسم بیفزایند یا آن را غیر معین و نکره گردانند، یا تعداد آن را غیر دقیق نشان دهند:

وابسته های مبهم اسم در فارسی معاصر به قرار زیر است:

هر- هر دو مورد استعمال دارد:

۱- یک یا چند چیز غیر ممکن را نشان می دهد. اسمی که بعد از هر می آید، همیشه

مفرد است: هر کتاب، هر کس، هر چیز. به هر پنج نفر از آنها یک کتاب داده

شد.

اسمی که همراه هر می آید می تواند با -ی نکره همراه باشد: هر کتابی، هر چیزی.

۲- شمول را نشان می دهد: هر دو کتاب را خریدم.

(هر) می تواند با عدد همراه باشد و در این حال دو صورت پیش می آید:

اسم بعد از عدد، اسم جنس است: این گلها را ببر و هر دو گل را در یک گلدان

بگذار. در این جمله تکیه قویتر روی عدد است و در حقیقت ابتدا عدد به معدود

وابسته می شود و سپس (هر) به مجموع آنها اضافه می گردد:

هر دو گل

در این مورد معنی اول (هر) به کار رفته است.

اسم بعد از عدد، معرفه است: من سه دوست صمیمی دارم. دیروز هر سه دوست به

دیدنم آمدند. در این جمله تکیه قوی تر، روی معدود است و دو کلمه هر سه یک جا به ان

وابسته می گردند:

هرسه نفر

هر سه نفر

در این مورد معنی دوم هر به کار رفته است.

هر با کلمات نوع، گونه، جور، قسم، عدد، دانه و غیره همراه می آید و با آن ها مجموعا به

اسم بعد از خود وابسته می گردند:

هر نوع لباس

هر با کلمات چه، یک، کجا، و غیره همراه می آید و کلمات مبهم گروهی می سازند: هرچه،

هریک، هرکجا.

هیچ- هیچ برای نفی اسم جنس به کار می ود و اسم بعد از آن گاهی با -ی همراه است و فعل

جمله منفی است: هیچ کتابی ندارم. هیچ کسی را ندیدم. هیچ نیز با بعضی کلمات همراه می

آید و کلمات مبهم گروهی می سازدم هیچ کدام، هیچ یک، هیچ کجا. هیچ کدام از یک اسم و یک صفت مبهم ساخته شده است: هیچ کدام بچه ها، هیچ کدام آن ها.

هیچ با کلمات گونه، نوع و غیره همراه می گردد و وضع آن کاملاً مانند هر با این کلمات است: هیچ گونه کتابی.

همه- همه گاه به معنی هر به کار می رود: همه کتابی را نمی توان خواند = هر کتابی را نمی توان خواند. همه کس را نمی توان فریفت = هرکسی را نمی توان فریفت. همه روز = هر روز. همه شب = هر شب. در این حال اسم بعد از همه با-ی همراه است و تکیه قوی تر روی کلمه بعد از همه است.

همه در مواردی که تکیه روی خود آن است فقط قبل از کلمات کس، جا، گونه و کلمات معدود دیگر می آید و بیشتر شمول را می رساند: هم کس، همه جا، همه وقت، همه روز و غیره.

همه با کلمات: گونه، نوع، جور، و غیره ترکیب و یک جا به اسم بعد از خود وابسته می شود:

همه گونه کتاب

همه در صورتی که به اسم بعد از خود اضافه گردد، دیگر صفت نیست بلکه اسم است و اسم بعد از آن مضاف الیه آن است. همه مردم = تمام مردم. همه کارها = تمام کارها. همه کتاب ها = تمام کتاب ها.

همه ممکن است به تنهایی به کار رود. در این صورت همه در حکم اسم است: همه آمدند. فلان- فلان بر سر اسم مفرد یا جمع می آید و آن را به کنایه نشان می دهد. این اسم از نظر گوینده معرفه است ولی به منظور آن که شنونده آن را نشناسد و یا از آن رو که شنونده آن را می شناسد و نیازی به ذکر آن نیست و یا اساساً برای اختصار، گوینده آن را با فلان بیان می کند: فلان کس، فلان کتاب، فلان خانه. پس این کلمه در میان وابسته های مبهم وضع خاصی

دارد. این کلمه به صورت *فلان و فلانی و فلان و بهمان* به عنوان اسم به کار می رود: *فلانی را دیدی؟*، این کار از *فلان و بهمان* بر نمی آید. *فلانی* ها را ندیدی؟
فلان مخصوص زبان ادبی است.

دیگر- دیگر در زبان ادبی گاهی بدون کسره اضافه قبل از اسم می آید و از وابسته های مبهم شمرده می شود: *دیگر کس*، *دیگر کتاب*. استعمال دیگر به این صورت بسیار محدود است و معلا این کلمه به صورت صفت بعد از اسم می آید: *لشخاص دیگر*، *مردم دیگر*.
گاهی هم دیگر مضاف الیه واقع می شود و اسم بعد از آن خاصه وقتی که جمع یا اسم جمع باشد مضاف الیه آن می گردد: *دیگر اشخاص*، *دیگر مردم*. در این موارد دیگر در حکم اسم است.

بسا و بسی- این دو کلمه اغلب در زبان ادبی به عنوان وابسته قبل از اسم می آیند. اسم بعد از آن ها می تواند مفرد یا جمع باشد: *بسا مردان* که در این راه شهید شدند. چنان که دیدیم این کلمات با مفهوم فراوانی همراهند و بعد از آن ها معمولاً یک جمله ربطی توضیحی می آید.

بسی و بسا می توانند به جای اسم به کار روند.

چند- این کلمه عدد مبهم را نشان می دهد: *چند کتاب خریدم*.

کلمات *چندین و چندان* نیز مقدار مبهم را توأم با اشاره می رسانند: *چندین کتاب چرا خریدی؟* ، *چندان پول خرج کرد که همه خیره شدند*. چندان می تواند به صورت صفت بیانی بعد از اسم نیز بیاید: *سود چندان نبردیم*.

یادآوری- کلمات هر و بسا و بسی هیچ گاه به جای اسم به کار نمی روند. کلمه هیچ نیز وقتی به جای اسم به کار می رود همیشه بر کلماتی که به غیرجانداران اطلاق می شوند دلالت می کند: هیچ نگفت = هیچ چیز نگفت.

صفت های مبهم با صفت های اشاره در یک جا جمع نمی شوند زیرا صفت های اشاره اسم را معرفی می کنند و صفت های مبهم آن را مبهم و نکره می سازند. صفت های مبهم اغلب با صفات عالی و اعداد ترتیبی نیز به دلیل بالا در یک جا جمع نمی شوند. به عبارت هایی نظیر "چه بزرگترین شاعری؟" و "هیچ اولین روز سالی نیست که..."، چه و هیچ به مجموع "بزرگترین شاعر" و "اولین روز سال" به عنوان یک واحد وابسته می شود. در اولی پرسش انکاری یا تعجب را می رساند و در دومی هیچ نشان می دهد که "اولین روز سال" متعدد است.

۴- **اعداد اصلی-** عدد اصلی از وابسته های پیشین اسم به شمار می رود، عدهای اصلی در فارسی سی و ن کلمه بیش نیست و بقیه اعداد از ترکیب این سی و نه کلمه ساخته می شوند: اعداد اصلی به هفت دسته زیر تقسیم می گردند:

الف- یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، نه.

ب- ده، یازده، دوازده، سیزده، چهارده، پانزده، شانزده، هفده، هیجده، نوزده.

ج- بیست، سی، چهل، پنجاه، شصت، هفتاد، هشتاد، نود.

د- صد، دویست، سیصد، چهارصد، پانصد، ششصد، هفتصد، هشتصد، نهصد.

ه- هزار.

و- میلیون.

ز- میلیارد.

تمام اعداد دیگر فارسی با استفاد از دو عمل جمع و ضرب، از اعداد فوق ساخته می شوند. در عمل جمع همیشه اعداد دسته های بزرگتر اول قرار می گیرد و اعداد دسته های کوچکتر با حرف ربط و که تلفظ می شود بعد از آن می آید: بیست و چهار. صد و سی. هزار و دویست و پنجاه و یک. مفهوم هر عدد گروهی عبارت از حاصل جمع تمام اعدادی است که با و (=) به هم پیوسته اند. هر عددی نمی تواند با هر عدد دیگر جمع شود:

هیچ عددی از یک دسته نمی تواند با عدد دیگر از همان دسته جمع شود: * نه و شش، * صد و دویست.

اعداد دسته ب نمی توانند با اعداد دسته الف جمع شوند: * سیزده و پنج.

اعداد دسته ب نمی توانند با اعداد دسته ج جمع شوند. * هفتاد و سیزده.

در عمل ضرب، عدد دسته های کوچکتر اول می آید و عدد دست های بزرگتر بدون هیچ فاصله، بعد از آن قرار می گیرد: دو هزار، سیزده میلیون.

در عمل ضرب نیز هر عددی نمی تواند در عدد دیگری ضرب شود.

✓ هیچ عددی از یک دسته نمی تواند در عدد دیگری از همان دسته ضرب شود (جز هزار که هزار هزار در گذشته به جای میلیون به کار می رفته است که امروز چندان متداول نیست.)

✓ فقط یکی از اعداد چهار دسته اول (دسته های الف، ب، ج و د) می تواند با یکی از اعداد دسته های بعد (هزار، میلیون، میلیارد) ضرب شود: دو هزار، سیزده میلیون، ده میلیارد.

عددهایی که از عمل ضرب به دست می آیند می توانند به ترتیبی که در عمل جمع گفته شد، جمع شوند: دو میلیون و سیصد هزار و دویست و چهل و پنج.

اسمی که بعد از عدد قرار می گیرد معدود نام دارد و معمولاً مفرد است: دو کتاب، ده روز.
اما گاهی معدود جمع است: چل دختران.

غالباً در شمارش اشیا یا جانداران، بعد از عدد کلمه مناسب می آید و سپس کلمه ای را که شمارش آن مورد نظر است می آورند: ده نفر دانشجو، صدها تن سرباز، بیست تا هواپیما، شش دانه تخم مرغ، دو قبضه تفنگ. این کلمات که قبل از معدود قرار می گیرند ممیز نامیده می شوند.

همچنین است در مورد واحدهای اندازه گیری که آوردن آن اجباری است: دوکیلو نان، ده متر پارچه، دو قواره پارچه. در این موارد در حقیقت عدد، وابسته نفر، تن، تا، دانه، قبضه، کیلو، متر و قواره است و مجموع این کلمات یک جا به کلمات دانشجو، سرباز، هواپیما، تخم مرغ، تفنگ، نان و پارچه وابسته می شوند:

یک قبضه تفنگ

گاهی عددهای ده، صد، هزار، میلیون و میلیارد را که اعداد گرد نامیده اند جمع می بندند و از آن مقداری در حدود چندین برابر آن اراده می کنند: هزاران نفر او را می شناسند. ده ها تن به دیدنش آمدند. صدها نفر مشغول تماشا شدند.

گاهی ـی نکره یا یک با عدد و اسم همراه می آید و تقریب را می رساند: ده تایی کتاب خریدم. تقریب با دو عدد نزدیک که بدون فاصله پشت سر هم آمده باشند، نیز بیان می گردد. سه چهار کتاب، پنجاه شصت روز، هفت هشت ده روز، ده بیست سی نفر. گاهی نیز این دو طریق با هم ترکیب می گردند: پنج شش تایی کتاب، هفت هشت ده روزی.

در زبان ادبی هرگاه اسم با ـی نکره همراه باشد، عدد می تواند بعد از آن بیاید:

روزی سه.

اعداد اصلی با صفت های اشاره و صفت های مبهم قابل ترکیب اند:

صفت های اشاره: این دو کتاب، آن سه مرد، همین ده نفر.

صفت های مبهم: هر هفت نفر، هیچ دو نفری.

از صفت های مبهم همه نمی تواند با عدد همراه اسم بیاید، زیرا همه مقدار مبهمی را می رساند و عدد تعداد مشخصی را.

اعداد اصلی با صفات عالی و اعداد ترکیبی نیز نمی توانند در آن واحد وابسته یک اسم باشند زیرا اعداد اصلی تعدد را می رسانند و صفات عالی و اعداد ترتیبی، انحصار را.

بدین ترتیب اعداد اصلی، دسته ای خاص از صفت های پیشین هستند که نسبت به مفهوم معرفه – نکره بی تفاوتند و فقط تعداد اسم بعد از خود را نشان می دهند. اسمی که بعد از اعداد اصلی می آید مفهوم جنس را می رساند. به همین سبب است که گروه های عدد + / اسم می توانند با صفات اشاره و صفات مبهم هر دو همراه باشند: این پنج کتاب را بخر، پنج کتابی را که می خواهی ببر.

اعداد اصلی گاهی می توانند به عنوان اسم به کار روند و هسته گروه باشند: دو و دو می شود چهار. هیچ دویی نیست که به سه نرسد. این هر دو را برای تو آورده ام. همچنین در بعضی موارد عدد مضاف واقع می شود: ده ما بر یک.

۵- صفت های پرسشی- کلمه های کدام، چه، چند، چندین، چگونه، چه نوع، چه جور، چه قدر هرگاه قبل از اسمی به کار روند و پرسشی را درباره آن مطرح کنند، صفت پرسشی نامیده می شوند: چند کتاب خریدی؟، کدام کتاب را برداشتی؟، چه کتابی خریدی؟، چندمین بار است که آمده ای؟، چه نوع پارچه ای خریدی؟.

صفت های پرسشی کدام، چه، چند، چندمین می توانند به جای اسم به کار روند: کدام را دیدی؟، کدام ها را می خواهی؟، از چه سخن می گویی؟، چه شکست؟، چه می گویی؟. اسمی که چه، کدام، چه جور، چه نوع و چگونه همراه آن می آید می تواند مفرد یا جمع باشد: چه کتاب هایی خریدی؟، کدام کتاب ها را خریدی؟، چه جور آدمی هستی؟.

اسمی که همراه چند می آید همیشه مفرد است: چند کتاب خریدی؟

کدام برای پرسش از یک یا چند چیز معین به کار می رود: کدام کتاب (کتاب ها) را

آوردی؟ (از میان کتاب هایی که می شناسم کدام یک را آوردی؟)

چه برای پرسشی از یک یا چند چیز از میان چند چیز غیرممکن و نکره به کار می

رود: چه کتابی خریدی؟، چه کتاب هایی خریدی؟ به همین جهت اسمی که بعد از چه می آید

با ـی نکره همراه است.

بنابراین کدام سه مفهوم پرسش، معرفه بودن و تعداد را در بر دارد و چه سه مفهوم

پرسش، نکره بودن و تعداد را.

گاهی بعد از کدام به جای اسم، کلمه یک یا یکی به کار می رود: کدام یک آمدند؟

چند برای پرسش درباره تعداد به کار می رود: چند کتاب خریدی؟ ده کتاب.

چند با وابسته های معرفه ساز یعنی وابسته هایی از قبیل *این و آن* که اسم را معرفه

می کنند در یک جا جمع نمی شوند.

گاهی بعد از چند نیز مانند سایر اعداد یکی از ممیزهای مناسب با موضوع مورد

پرسش، قرار می گیرد: چند تا کتاب خریدی؟، چند عدد سیب خوردی؟، چند نفر دانشجو

آمدند؟.

کلمه چندمین برای پرسش از ترتیب به کار می رود: چندمین نفر را دیدی؟

کلمه های چگونه و چه نوع و چه جور برای پرسش از کیفیت و نوع و جنس به کار

می روند: او چگونه مردی است؟، پرویز چه جور آدمی است؟، چه جور کفشی خریدی؟.

اسمی که بعد از این کلمات می آید با ـی نکره همراه است.

کلمات کدام و چه نمی توانند در آن واحد با صفت های اشاره، وابسته یک اسم باشند

و نمی توان گفت: این کدام کتاب و آن چه کتابی؟. دلیل این امر این است که صفت های

اشاره، اسم را با اشاره نشان می دهند و معرفه می سازند در حالیکه کدام برای پرسش

درباره یک چیز از چند چیز معین به کار می رود و در حقیقت با صفت های اشاره تناسب ندارد.

اما کلمه چه برای پرسش درباره یک چیز از چند چیز نکره به کار می رود و از زمره وابسته های نکره است و از این رو با صفت های اشاره بی تناسب است.

کلمه کدام با اعداد ترتیبی و صفت های عالی تناسب دارد: کدام اولین نفر را می گویی؟، کدام بهترین دوست را می گویی؟.

کدام و چه می توانند به جای اسم به کار روندو جمع بسته شوند: کدام را می گویی؟، کدام ها را خریدی؟، چه کردی؟، در نمایشگاه چه ها دیدی؟.

۶- صفت های تعجبی- صفت های تعجبی به کلماتی گفته می شود که بر سر اسم در می آیند و مفهوم کثرت و شدت و تحسین و تعجب را به آن می افزایند.

صفت های تعجبی عبارتند از: عجب، چه، چه قدر، چه اندازه، چه طور، چه جور، چگونه! چه همه!:

عجب مردی!، عجب آدم هایی!، چه باغی!، چه حرفا!، چه قدر کتاب!.

صفت های تعجبی از وابسته های نکره به شمار می آید و می توانند با عددها در یک گروه اسمی قرار گیرند: چه ده کتابی!، عجب سه نفری!.

صفت های تعجبی می توانند به صورت قید فعل یا قید برای قید دیگر یا قید برای مسند به کار روند:

قید فعل: او چه قدر حرف می زند! چه قدر می خندد!

قید برای قید دیگر: او چه خوب می خوند! چه قدر تند می دود!

قید برای مسند: پرویز چه قدر عاقل است! چه قدر سرد است!

صفت تعجبی چه چون تنها به کار رود اسم تعجبی است: چه کشیدم! چه ها کشیدم!.

۷- یک نکره- یک که برای نکره کردن اسم قبل از آن درمی آید به صورت ظاهر اولین عدد از دسته اعداد اصلی است و جزء وابسته های پیشین اسم به شمار می آید اما در حقیقت با آن ها تفاوت هایی دارد.

۸- شاخص ها- شاخص ها به آن دسته از وابسته های اسم گفته می شود که در میان وابسته های پیشین اسم بلافاصله قبل از اسم قرار می گیرند. شاخص ها معمولا اسم یا صفت اند و برای مشخص کردن و یا محدود کردن اسم و یا صرفا برای افزودن مفهوم احترام به اسم به کار می روند. بدین سبب لقب ها و عنوان ها نیز جزء این دسته از وابسته های اسم به شمار می آید:

زن ← شیر زن	بچه ← پسر بچه
نظامی ← حکیم نظامی	فردوسی ← استاد فردوسی
محمد ← سید محمد	حسین ← آقا حسین
حسین ← مهدی حسین	حافظ ← خواجه حافظ
عباس ← میرزا عباس	تیمور ← امیر تیمور
رضا ← امام رضا	داوود ← امام زاده داوود
احمدی ← دکتر احمدی	رضوی ← سرهنگ
رضوی	
مهدی ← عمو مهدی	حسن ← دایی حسن

طبقه بندی صفت های پیشین- وابسته های پیشین از نظر معنی به چهار دسته تقسیم

می شوند:

۱- وابسته های معرفه ساز که موجب معرفه شدن اسم می گردند مانند صفت های اشاره که به اشاره اسم را معرفه می کنند و اعداد ترتیبی و صفت های عالی که به خاطر رساندن مفهوم انحصار، معرفه بودن اسم را می رسانند و نیز کلمه کد/م. از آنجا که این وابسته ها معرفه ساز هستند، هر دو تا از آنها می توانند در آن واحد وابسته یک اسم باشند، بدین ترتیب:

صفت اشاره + عدد ترتیبی یا صفت عالی + اسم.

۲- وابسته هایی که نکره بودن را می رسانند مانند صفت های مبهم و یک که در آن واحد ها نمی توانند با وابسته های معرفه ساز همراه یک اسم بیایند.

۳- وابسته هایی که تعداد را می رسانند، مانند اعداد و کلمه چند. اعداد و کلمه چند نسبت به معرفه و نکره بودن اسم بی تفاوت هستند و می توانند با صفت های اشاره که معرفه سازند همراه یک اسم بیایند: این دو کتاب، هر سه کتاب، هیچ دو نفری.

۴- وابسته هایی که اسم را محدود می کنند مانند شاخص ها، این وابسته ها نسبت به مفهوم معرفه و نکره به دو دسته تقسیم می شوند:

الف- وابسته هایی که لقبند یا خویشاوندی را نشان می دهند که الزاما با اسم خاص که معرفه اند، به کار می روند: مشهدی حسن، دایی رضا. اسمی که با این دسته آمده به دلیل معرفه بودن می توانند با وابسته های معرفه ساز دیگر همراه باشند: این مشهدی حسن، کدام حاج علی.

اعداد که تعدد را می‌رسانند و صفات عالی و اعداد ترتیبی که یک چیز از میان چند چیز را نشان می‌دهند با این وابسته‌ها که همراه اسم خاص می‌آیند، تناسب ندارد.

ب- وابسته‌هایی که نه با اسم معرفه به کار می‌روند و نه خود معرفه می‌سازند: پسر بچه، جوجه کباب. این وابسته‌ها با وابسته‌های نکره، سازگارند و می‌توانند با آنها همراه باشند: پسر بچه‌ای، هیچ نوع جوجه کبابی. اعداد با این وابسته‌ها تناسب دارند: هر یک جوجه کباب برای دو نفر.

وابسته های پیشین معرفه ساز

وابسته شماره ۳	وابسته شماره ۲	وابسته شماره ۱	هسته
این	بهترین	آقا	پسر
آن	بزرگ ترین	پسر	بچه
همین	مسن ترین	جناب	سر هنگ
همان	اولین	دوشنبه	شب
کدام	دومین	پیر	زن
-	یک	دوشنبه	شب
-	دو	حاجی	آقا
-	دو تا	شیر	بچه
-	سه		
-	سه عدد		
-	چهار نوع		
-	چند		
-	چند نفر		
-	چندین		
-	یگانه		
-	تنها		

وابسته های پیشین نکره ساز

هسته		وابسته شماره ۱	وابسته شماره ۲	وابسته شماره ۳
ای ی ی ی ی ی ی	کباب	جوجه	یک	هر
	بچه	پسر	دو (دو نفر، دو تا	هیچ
	زن	پیر	(...	چنین
	مرد	پیر	دو (دو نفر، دو تا	چنان
	پزشک	چشم	(...	همچو
	بچه	شیر	چهار (چهار نفر)	چه
	مرد	پیر	پنج	عجب
			چهار	یک (نکره)
			سه	بعضی
			-	برخی
			-	خیلی
			-	فلان
			-	هر نوع
			-	(گونه، جور)
			-	هیچ نوع
			-	(گونه، قسم)
			-	همه
			-	همه نوع
			-	(گونه، جور)

بسا، بسی	-			؟
چند	-			
چندین	-			
چند				

یاد آوری-

۱- هر اسم می تواند حداکثر سه وابسته معرفه ساز یا سه وابسته نکره ساز که هر

یک از یک ستون مختلف جدول انتخاب شده باشد، به همراه داشته باشد: همین

بهترین شیر بچه، هر پنج پیر مرد.

شاخص هایی که قبل از اسم های خاص در می آیند مانند آقا، استاد، سرهنگ، و

غیره معمولاً با عدد و وابسته های نکره تواما به کار نمی روند. مثلاً گروه هایی

مانند "هیچ دو اقا هوشنگی" و امثال آن متداول نیست.

۲- وابسته های شماره یک در هر جدول، فقط با هسته های خاصی که همراه آنها در

جدول آمده است یا مشابه آنها می آیند: پیر مرد، پسر بچه، دختر بچه.

۳- از هر ستون هر بار بیش از یک وابسته نمی توان انتخاب کرد مگر آن که دو یا

چند وابسته از یک ستون به کمک یکی از حروف ربط همپایگی، همپایه شده

باشد: این اولین و بهترین دوشنبه شب.

۴- فقط پاره ای از وابسته های ستون دو از جدول وابسته های معرفه ساز و پاره ای

از وابسته های ستون دو از جدول وابسته های نکره ساز می توانند همپایه گردند:

این اولین و بهترین شیر بچه، هر دو یا سه شیر بچه.

۵- هسته ممکن است یک کلمه یا چند کلمه همپایه باشد:

این چند دختر، این چند دختر و پسر.

۲- حق شناس

گروه اسمی

گروه اسمی، گروهی است که هسته آن، اسم یا ضمیر باشد؛ این گروه، ممکن است از یک یا چند واژه ساخته شده باشد؛ اگر فقط شامل یک واژه باشد، همان یک واژه (اسم یا ضمیر)، هسته به شمار می رود؛ نمونه های گروه اسمی:

این مرد باهوش؛ همه دانشجویان کوشا؛ بزرگ ترین سدّ خاکی کشور.
"مرد"، "دانشجویان" و "سدّ" اسم هایی هستند که "هسته" واقع شده اند.

هسته گروه اسمی

هسته گروه اسمی، "اسم" یا "ضمیر" است.

الف. شناسای اجمالی اسم

اسم، واژه ای است که برای نامیدن کسی، پدیده ای، مفهوم یا حالتی به کار رود؛ نمونه ها:
احمد، اسب، درخت، دانش، زیبایی.

ویژگی های اسم:

۱. اسم در زبان فارسی می توان با افزودن پسوند های (ها) و (ان) جمع بست؛
نمونه ها:

• مدرسه ← مدرسه ها/ مرد ← مردان

۲. اسم را می توان با افزودن تکواژ (-ی)، به اسم نکره تبدیل کرد؛ نمونه ها:

• مردی را دیدم./کتابی خریدم.

۳. اسم، وابسته های خاصی را می پذیرد؛

پیشین: صفت اشاره (این کتاب)، صفت مبهم (همه ی کتاب ها)، صفت پرسشی (کدام کتاب؟)

وابسته های پیشین

عنصرهایی که در گروه اسمی، پیش از هسته قرار می گیرند، وابسته های پیشین خوانده می شوند. این وابسته ها شامل صفت های اشاره، عددهای اصلی، صفت های عالی، عددهای ترتیبی، صفت های مبهم، صفت های پرسشی، صفت های تعجبی، یک نشانه نکره و شاخص هاست.

۱. صفت های اشاره. عنصرهای این، آن، همین، همان، و گاه چنین و چنان، اگر پیش از اسم قرار گیرند، صفت اشاره خوانده می شوند. نمونه ها:

• این مرد، /آن کتاب، همین ساعت، همان خانه، چنین مردی، چنان خبری.

صفت های اشاره/این، آن، همین، همان اسم را معرفه می کنند. اما چنین و چنان برای اشاره، و تشبیه به کار می روند، و اسمی که با آن ها همراه شود، معمولاً با - ی نکره یا یک و -ی نکره به کار می رود. نمونه ها:

• چنین مردی/ یک چنین کتابی.

این دو عنصر می توانند پیش از اسم هم قرار بگیرند. نمونه:

- مردی چنین سبتر. آبی چنین زلال.
- ترکیب های این قدر و آن قدر و این همه و آن همه علاوه بر اشاره، فزونی اندازه و شمار را نیز می رساند. نمونه:
- این همه پارچه را می خواهی چه کنی؟ آن قدر حرف زد که خسته ام کرد.
- ترکیب های این طور و آن طور، این جور و آن جور، این گونه و آن گونه و ... نیز می توانند وابسته پیشین اسم قرار بگیرند. نمونه ها:
- این طور کاری، از من ساخته نیست. / این جور کارها، عاقبت خوشی ندارد.

۲. عددهای اصلی. این عناصر، پیش از اسم قرار می گیرند و برای شمارش اسم پس

از خود به کار می روند. نمونه ها:

- چهار هزار قلم، هزار ساعت.

اسم پس از عدد **معدود** خوانده می شود. معدود در زبان فارسی، همیشه مفرد است.

مگر در موردهایی انگشت شمار، چون **چهل دختران**.

شمار عدد اصلی، در زبان فارسی، فقط سی و نه عدد است، بقیه عددها، از ترکیب

آن ها ساخته می شوند. این سی و نه واژه را می توان به هفت گروه دسته بندی کرد:

الف. یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، نه.

ب. ده، یازده، دوازده، سیزده، چهارده، پانزده، شانزده، هفده، هجده، نوزده.

ج. بیست، سی، چهل، پنجاه، شصت، هفتاد، هشتاد، نود.

د. صد، دویست، سیصد، چهارصد، پانصد، ششصد، هفتصد، هشتصد، نهصد.

ه. هزار.

و. میلیون.

ز. میلیارد.

همه عددهای دیگر فارسی با استفاده از دو عمل ضرب و جمع، از همین سی و نه عدد ساخته می شوند.

الف. قاعده های جمع

۱. هنگام جمع، عددهای بزرگ تر در آاز، و عددهای کوچک تر با حرف ربط و

، پس از آن قرار می گیرد. نمونه ها: صد و سی، هشتاد و پنج، هزار و سیصد و بیست و یک.

۲. هیچ عددی با عدد هم گروه خود، جمع نمی شود. مثلا: هزار و هزار یا شش و شش به کار نمی رود.

۳. عددهای گروه های ب و الف با هم جمع نمی شوند. مثلا، عبارت سیزده و پنج درست نیست.

۴. عددهای گروه های ب و ج با هم جمع نمی شوند. مثلا عبارت دوازده و چهل دستوری نیست.

ب. قاعده های ضرب

۱. در عمل ضرب، فقط دو عدد در هم ضرب می شود: یکی از عدهای گروه های الف، ب، ج، د در یکی از عدهای گروه های ه، و، د (هزار، میلیون، میلیارد) ضرب می شود و همیشه عدد کوچک تر در آغاز و عدد بزرگ تر، بدون فاصله، پس از آن قرار می گیرد. نمونه ها:

• دو هزار، نهصد میلیون.

۲. عدهای هیچ گروهی در همان گروه ضرب نمی شوند. مثلاً، عبارت صد صد کاربرد ندارد.

یادآوری. عبارت هزار هزار به جای میلیون در گذشته رایج بوده است که امروزه دیگر کاربرد ندارد.

۳. عدهایی را که از عمل ضرب به دست می آیند، به همان ترتیبی که در عمل جمع تبیین شد، می توان با هم جمع کرد: دو میلیون و سیصد هزار و دویست و چهل و نه. همه عدهای مورد نیاز با همین سی و نه عدد و قاعده های جمعی ضرب آن ها ساخته می شوند و این، نمونه روشنی از زیایی بی حد و مرز زبان است. اگرچه سلسله عدها نهایت ندارند، برای گسترش بیشتر آن ها به قاعده های جدید نیاز نیست و فقط باید بر این سی و نه عنصر، عنصرهای جدید افزود.

یادآوری. امروزه به جای هزار میلیارد از واژه تریلیون استفاده می شود و به این ترتیب، شماره عنصرهای مورد نیاز برای بیان ارقام، به چهل افزایش می یابد.

ممیز. ممیز، عنصری است وابسته به عدد که پیش از معدود قرار می گیرد و دو نوع عام و خاص دارد:

ممیز عام، با همه یا اغلب اسم های شمارش پذیر، همراه می شود. نمونه ها:

- تا: سه تا کتاب، پنج تا صندلی، دوتا خانم.
 - عدد: سه عدد سنجاق، چهار عدد خودنویس، پنج عدد بشقاب.
 - دانه: چند دانه انار، پنج دانه گردو.
- ممیز خاص: فقط با یک یا چند اسم به کار می رود. نمونه ها:
- قبضه: سه قبضه تفنگ / قرص: یک قرص نان / فقره: دو فقره سند / نفر: دو نفر آدم، دو نفر شتر / عراده: یک عراده توپ.
- گاه با ممیزهای عام یک ممیز خاص نیز همراه می شود. نمونه ها:
- سه تا قرص نان / چهار تا قبضه تفنگ / دو تا دانه پرتقال.
- واحدهای اندازه گیری (متر، کیلو، من، لیتر، ...) که کاربرد آن ها اجباری است نیز، ممیز به شمار می روند. نمونه ها:
- یک متر پارچه / دو لیتر شیر / چهار من برنج / سه کیلو انگور.
- بیان تقریبی:** گاه عددهای ده، صد، هزار، میلیون، و میلیارد، جمع بسته می شوند، و از آن ها مقداری در حدود چندین برابر آن ها ارده می شود. نمونه ها: هزاران نفر، ده ها کتاب، صدها خانه. چنین ترکیب هایی، بیان تقریبی خوانده می شوند.
- برای رساندن تقریب، دو یا چند عدد، نزدیک به هم و بدون فاصله به کار می روند. نمونه ها:
- سه چهار کتاب، ده دوازده نفر.
- با افزودن نشانه نکره سی به معدود نیز، می توان بیان را تقریبی کرد. نمونه:
- ده روزی می شود که او این جاست.
- واژه چند که بر شماری بیش از دو و کمتر از ده دلالت دارد نیز، بیان را تقریبی می کند. نمونه ها:

- چند برگ کاغذ/ چند تا هنرپیشه.

۳. عددهای ترتیبی و صفت عالی

این گونه عددها و صفت ها، مقام، مرتبه، و ترتیب چیزی را نشان می دهند. نمونه ها:

- دومین خانه، بزرگ ترین شاعر.

عددهای ترتیبی

عدد ترتیبی دو گونه ساخت دارد:

الف. عدد اصلی + 'م: هفتم، چهارم، دهم.

ب. عدد اصلی + 'م + - ین: گ هفتمین، چهارمین، دهمین.

عددهای ترتیبی که به روش الف ساخته می شوند، معمولاً پس از اسم قرار می گیرند

و

وابسته پسین شمرده می شوند. نمونه ها: نفر پنجم/کلاس ششم.

گاه پیش از اسم نیز به کار می روند: نمونه: سوم شخص.

عددهای ترتیبی که به روش ب ساخته می شوند، اغلب پیش از اسم به کار می روند

و وابسته پیشین خوانده می شوند. نمونه ها: پنجمین سال/ دهمین نفر.

یادآوری. واژه های نخست، اول و آخر – که خود به خود مفهوم ترتیب دارند- به

صورت نخستین، اولین و آخرین نیز به کار می روند. اسمی که پس از عددهای

ترتیبی قرار می گیرد، اغلب مفرد است. نمونه:

- امسال، چهلمین سال زندگی من است.

اما اسمی که با *نخستین، اولین و آخرین* به کار می رود، می تواند جمع یا مفرد باشد. نمونه:

- اولین سال یا سال های حضور او در دانشگاه/ نخستین روز یا روزهای سال/

آخرین

سفارش یا سفارش های پیامبر (ص).

صفت عالی

صفت عالی، صفتی است که با پسوند *ترین* همراه باشد. نمونه ها:

- بزرگ ترین، بهترین، خوش حال ترین.

این صفت، عموماً پیش از اسم قرار می گیرد. نمونه ها:

- بهترین خاطره/ بزرگ ترین حماسه سرا.

اسمی که با این صفت ها به کار می رود، ممکن است مفرد یا جمع باشد. نمونه ها:

- فردوسی، بزرگ ترین شاعر حماسه سرای ایران است.

- سعدی و حافظ، بزرگ ترین سخنوران ایران هستند.

عده های ترتیبی و صفت های عالی، مانند صفت ای اشاره، اسم را معرفه و محدود

می کنند. برخی واژه ها مانند *یک، یگانه، تنها* از این نظر که اسم پس از آن ها

محدود و منحصر ب فرد می شود، همانند صفت های عالی و ترتیبی هستند. نمونه

ها:

- تنها کوچه عریض محله/ یگانه دختر رئیس اداره/ تک پسر خانواده.

۴. صفت های مبهم

صفت مبهم صفتی است که همراه یکی از واژه های هر، هیچ، همه، فلان، دیگر، بسا، بسی، چند، چندین، و چندان به کار می رود. این نوع صفت، ویژگی های نامعینی را به ایم می افزاید و آن را نکره یا شمار آن را تقریبی می کند. نمونه ها:

کاربردهای هر:

۱. یک یا چند چیز نامعین را نشان می دهد: نمونه ها: هرکس، هر کتاب.
 ۲. شمول را نشان می دهد: نمونه: هر دو نفر با هم رفتند.
- هر می تواند با واژه های نوع، گونه، جور، قسم، رقم و ... همراه شود. نمونه ها:
- هر نوع لباس/ هر جور آدم.
- اسمی که با هر به کار می رود، ممکن است با نشانه نکره —ی همراه شود. نمونه ها:
- هر آدمی/ هر نوع لباسی.
- هر را می توان با واژه های چه، یک، کجا و قدر ترکیب کرد و واژه های مرکب ساخت: هر کجا، هر قدر، هر چه، هر یک.
- هیچ. هیچ برای نفی جنس به کار می رود و با فعل منفی همراه ست. نمونه ها:
- هیچ کتابی ندارم/ هیچ کس را ندیدم.
- اسمی که با هیچ به کار می رود، معمولاً با نشانه نکره —ی همراه است. نمونه:
- این کلید هیچ قفلی را باز نمی کند.
- هیچ با واژه هایی مانند گونه، قسم، جور و نوع نیز به کار می رود. نمونه:
- هیچ نوع پارچه ای در این شهر تولید نمی شود.
- یادآوری. هیچ ممکن است در نقش قید به کار رود.
- همه. همه را می توان به معنای هر به کار برد. نمونه ها:

- همه روزه، او را می دیدم. / مه کس را نمی توان گول زد. / همه کتابی را نمی توان خواند.

همه نیز مانند هر ساخت مرکب دارد. نمونه ها:

- همه نوع کتاب / همه جور آدم.
- همه کاربرد اسمی نیز دارد. نمونه ها: همه آمدند. / همه بچه ها شام خوردند.
- فلان. این واژه، پیش از اسم مفرد یا جمع قرار می گیرد.

کاربردها:

۱. برای اشاره به هر چیزی که فقط در مقام جنس امیت دارد و ب نمونه ای مشخص و معین اشاره نمی کند. نمونه:

- این که فلان نیسنده در فلان کتاب، این حرف را زده است، برای ما ملاک نیست.

۲. برای اشاره به کسی یا چیزی که برای گوینده و شنونده شناخته شده است، و نیازی به یادکرد آن نیست. نمونه:

- به حسن بگو، فلان کس (مثلا خود گوینده) گفت: خیلی دلم برایت تنگ شده است.
- یادآوری. واژه فلان در قدیم به عنوان اسم نیز، به شمار می رفته است. امروزه، فلان، فقط در عبارت **فلان و بهمان** اسم شمرده می شود. اما فلانی، همواره اسم است. نمونه:

- به پرویز بگو، فلانی التماس دعا دارد.

بسا، بسی. این دو واژه بیشتر در سبک ادبی، به عنوان وابسته پیشین اسم به کار می

روند، و اسم پس از آن ها می تواند مفرد یا جمع باشد. نمونه ها:

- بسا زنان و مردان که در این را جان باختند. / درنامیدی بسی امید است.

دیگر. این واژه اغلب به عنوان وابسته پسین به کار می رود. اما در سبک ادبی، گاهی پیش از اسم نیز می آید. نمونه: دیگر همسایه ما (همسایه دیگر ما)، اهل شعر است.

چند. این واژه نیز، از وابسته های پیشین اسم است که از شمار تقریبی اسم پس از خود هبر می دهد. نمونه ها: چند نفر/ چند کتاب.

واژه چندین نیز، از شمار تقریبی اسم پس از خود خبر می دهد. ولی شمار آن بیش از چند نفر است. نمونه:

- چندین نفر دور او گرد آمده بودند.

واژه چند/ن برای مقدار زیاد و نامشخص به کار می رود. نمونه:

- چندان پولی خرج نکرد.

بعضی، برخی. این دو واژه، پیش از اسم هایی که جمع بسته شده اند، قرار می گیرند.

نمونه ها: بعضی زنان/ برخی افراد.

۵. صفت های پرسشی

واژه هایی که پیش از اسم به کار می روند، و پرسش هایی درباره اسم پس از خود

مطرح می کنند، صفت پرسشی خوانده می شوند. کدام، چه، چند، چندمین، چگونه، چه

نوع، چه جور، چطور، چقدر، چه میزان، چه اندازه و نمونه ها:

- چند کتاب خریدی؟/ چه جور آدمی است او؟

- کدام داستان را خواندی؟

اسمی که با چه، کدام، چه جور، چه نوع، چگونه و ... به کار می رود، ممکن است مفرد

یا جمع باشد. نمونه ها:

- چه کتاب هایی خریدی؟ / چه طور آدمی است؟

- کدام گیاهان باید در معرض نور خورشید باشند؟

اسمی که همراه چند می آید همیشه مفرد است. البته با این صفت پرسشی، می توان

یکی از ممیزها را نیز آورد. نمونه ها:

- چند تا کتاب خریدی؟/ چند روز در شیراز ماندی؟

چندمین برای پرسش درباره ترتیب به کار می رود. نمونه:

- این مرد که وارد شد چندمین نفر بود؟

یادآوری:

۱. هریک از صفت های پرسشی کدام، چه، چند و چندمین ممکن است، به جای اسم

هم به کار روند که در این صورت، از وابسته های اسم به شمار نمی آیند، بلکه

خود، اسم یا گروه اسمی اند. نمونه ها:

- کدام را بیشتر دوست داری؟/ چه می گویی؟ از چه حرف می زنی؟

۲. گاه پس از کدام به جای اسم، واژه یک به کار می رود. کدام یک در مجموع یک

گروه اسمی است. نمونه ها:

- کدام یک از این کتاب ها را خوانده ای؟/ کدام یک را می پسندی؟ این یکی یا آن

یکی؟

۶. صفت های تعجبی

واژه هایی که پیش از اسم به کار می روند و مفهوم شدت، کثرت، تحسین و تعجب

را درباره اسم پس از خود نشان می دهند، صفت تعجبی خوانده می شوند. مانند

عجب! چه! چقدر! چه اندازه! چطور، چه جور و نمونه ها:

- عجب آدمی است!/ تو چقدر کتاب می خوانی!/ چه آدم هایی پیدا می شوند!

یادآوری. چه، اگرچه تنها به کار می رود، اسم است. نمونه ها: چه کشیدم! / چه ها که

نگفت!

۷. یک نشانه نکره

یک به عنوان وابسته پیشین اسم چند کاربرد دارد:

۱. برای نشان دادن وحدت. نمونه: فقط یک نفر غایب بود.

۲. برای نشان دادن تقریب، هرگاه پیش از عدد قرار گیرد. نمونه:

• یک ده نفری آمده بودند. (حدود ده نفر ...)

۳. برای نشان دادن مقدار کم. نمونه: این رودخانه، آن وقت ها، یک آبی عهم داشت.

۴. برای نشان دادن شدت و عظمت چیزی. نمونه:

• یک دادی سر بچه کشید که من وحشت کردم!

۵. برای نشان دادن ناشناختگی اسم پس از خود. نمونه ها: یک شب تامل ایام گذشته

می کردم. / یک روز با پدرم نشستیم و گرم گفت و گو بودیم که ...

یادآوری. اسمی که در آغاز آن، یک به کار رود، اغلب در آخر آن نیز نشانه نکره —ی به

کار می رود (چنان که در نمونه های ارائه شده، چنین است.)

۸. لقب ها (شاخص ها)

شاخص، اسم یا صفتی است که برای مشخص و محدود کردن یا فقط برای احترام،

پیش از

اسم های خاص به کار می رود. نمونه ها: عمو اوغلی / مهندس احمدی / دکتر کریمی.

واژه هایی چون خانم، آقا، جناب، حاج، امام، سلطان، عمو، دایی، استاد، خواجه،

مهندس،

دکتر، قاضی، شهید، سرکار، شهدی، کربلایی، امیر، شاه، حکیم، میرزا و درجه های نظامی: گروهبان، ستوان، سرگرد، سرهنگ، تیمسار، سپهد و سردار شماری از شاخص ها هستند.

محل شاخص ها

این واژه ها، بدون فاصله پیش از اسم قرار می گیرند.

۹. صفت های بیانی

صفت بیانی، اگرچه پس از اسم می آید و وابسته پسین است. گاه در سبک ادبی، پیش از اسم نیز، به کار می رود و وابسته پسین شمرده می شود. نمونه ها:

- شجاع مردی است او! بسی خرسندم که نازنین دوستی چون تو دارد.

طبقه بندی وابسته های پیشین اسم

وابسته های پیشین اسم، از نظر معنی، در پنج طبقه دسته بندی می شوند: معرفه ساز، نکره ساز، پرسشی ساز، تعداد نما، محدود ساز.

۱. وابسته های معرفه ساز: صفت های اشاره (این کتاب)، عددهای ترتیبی (سومین

نفر)، صفت های عالی (بزرگ ترین خانه).

۲. وابسته های نکره ساز: صفت های مبهم (هرکس این را داند. آدم یک روز به

دنیا می آید، یک روز می رود).

۳. وابسته های پرسشی ساز: صفت های پرسشی (کدام، چند، ...).

۴. وابسته های تعداد نما: عددهای اصلی و واژه چند (سه کتاب، چند نفر).

۵. وابسته های محدود ساز: لقب ها، عنوان های خانوادگی (کربلای حسین، دایی

ناصر).

همنشینی وابسته های پیشین

همه وابسته های پیشین اسم را نمی توان با هم به کار برد. موردها:

۱. وابسته های معرفه ساز و نکره ساز با هم به کار نمی روند. مثلا جمله های این

بعضی بچه ها و همان هر کتاب، غیر دستوری اند:

۲. عدد اصلی، و ترتیبی در کنار هم قرار نمی گیرند؛ مثلا، جمله "دو چهارمین کتاب"،

کاربرد ندارد؛

۳. هریک از انواع وابسته های پیشین، معمولا فقط يك بار در هر گروه اسمی به کار می

رود؛ جمله های نمونه، جمله هایی غیر دستوری اند:

- این آن کتاب (دو صفت اشاره) / عجب چقدر کتاب (دو صفت تعجبی).

- کدام چگونه کتاب (دو صفت پرسشی) / دو چهار کتاب (دو عدد اصلی).

- بعضی هر کتاب (دو صفت مبهم)

یادآوری: گاه برای بیان تقریب، می توان برخی عددهای اصلی را در کنار هم به کار برد؛

مثلا، "دو سه کتاب"، همچنین، می توان برخی شاخص ها را در کنار هم قرار داد؛ مثلا،

"سردار شهید باکری".

۴. صفت های اشاره، مبهم، پرسشی و تعجبی، و "يك" نشانه نکره، همواره در آغاز گروه

اسمی قرار می گیرند؛ از این رو، جود هریک از آن ها در گروه اسمی، از حضور

بقیه جلوگیری می کند؛ مثلا، هرگاه يك گروه اسمی با "این" (صفت اشاره) آغاز می

شود، هیچ يك از وابسته های دیگر را نمی تواند بپذیرد؛ نمونه های غیر دستوری:

- این هر کتاب / این کدام کتاب / این عجب کتاب / این يك کتاب.

یادآوری: "یک" در جمله "این یک کتاب را هم بخیر"، نشانه نکره نیست، بلکه عدد اصلی است.

۳- مشکوة الدینی

وابسته های پیشین

در جدول (۱) در زیر وابسته های پیشین و چگونگی توالی آنها نشان داده شده است.

جدول (۲) نیز وابسته های نامشخص را بدست می دهد.

چنان چه در جدول (۱) مشاهده می شود وابسته های پیشین به طور پیاپی در سه جایگاه پیش از اسم قرار می گیرد. در نخستین (یا نزدیکترین) جایگاه پیش از اسم وابسته وصفی (وابسته پیشین - ۱)، در دومین جایگاه یکی از وابسته های عدد و ممیز، عدد ترتیبی، صفت برترین و یا وابسته های اشاره، پرسشی، تعجب و یا نا مشخص ظاهر می شود. وابسته های پیشین تنها به ترتیبی که در بالا گفته شد و در جدول (۱) و (۲) نشان داده شده است به کار می رود. به طور کلی، تجزیه روستاختی گروه اسمی با وابسته های پیشین را به صورت زیر می توان نشان داد:

گروه اسمی ← (وابسته پیشین - ۳ + وابسته پیشین - ۲ + وابسته پیشین - ۱) + اسم

مانند نمونه های زیر:

- این سه تن خانم آموزگار
- این سه تن آموزگار
- این آموزگار

الف- وابسته پیشین- ۱ :

نمونه های زیر تجزیه روساختی "وابسته پیشین - ۱ + اسم" را داراست:

خانم آموزگار، (مثلا، در جمله "خانم آموزگار سر وقت به کلاس می آید.")

دایی محمود، دختر خانم، آقا پسر، خاله مریم، جناب سرهنگ، حاج احمد، دختر بچه،

مشهدی حسن، عمو رضا، سید علی، حسن آقا، آقا موسی، خان عمو.

وابسته "خان" معمولا به دنبال اسم خاص ظاهر می شود، مانند نمونه های زیر، "اسم

خاص + خان":

افشین خان، رضا خان، علی خان

نمونه هایی که در آن "خان" در جلو اسم خاص به کار رود نادر و یا نادرست است:

وابسته "آقا" بویژه در مواردی که به همراه اسم خاصی که به مصوت /a/ پایان می یابد،

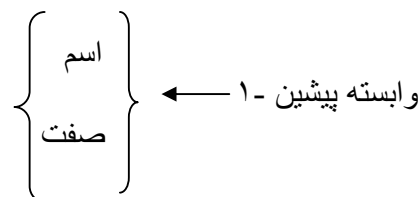
و نیز به همراه اسم عام، معمولا در جایگاه پیش از اسم ظاهر می شود، مانند نمونه های

زیر:

آقا رضا، آقا موسی، آقا یحیی

آقا معلم، آقا ناظم

چنان که در نمونه های بالا مشاهده می شود، وابسته پیشین- ۱ از اسم و یا صفت است:



باید توجه داشت که برخی از صورت های نحوی "صفت + اسم" آن قدر زیاد در زبان

تکرار شده که در واقع اسم های مرکبی را پدید آورده است. به این معنی که سخنگویان زبان

رابطه نحوی بالا را در آنها حس نمی کنند، مانند نمونه های زیر:

جوانمرد، گردباد، سفید رود.

به بیان دیگر، برخی از صورت های مشابه نمونه های مشابه نمونه های بالا در این نوع فرایند واژه سازی زبان فارسی قالب ریزی شده است. با این حال، رابطه نحوی بالا در صورت های زیادی حس می شود.

از این رو، می توان گفت که در بعضی موارد ترکیب "صفت-اسم" مبهم است. یعنی می تواند ترکیبی صرفی به صورت "صفت-اسم" یا "واژه مرکب" و یا ترکیبی نحوی به صورت "صفت+اسم" یا "وابسته پیشین-۱ + اسم" باشد، مانند: پیرمرد، سیاه رود.

ممکن است واژه های "خوب" و "بد" و یا واژه های دیگری با یکی از این دو معنی یاد شده در جایگاه وابسته پیشین-۱ به کار رود. در این صورت، نشانه "ی" الزاما به دنبال اسم ظاهر می شود، مانند نمونه های زیر:

خوب حرفی (احمد خوب حرفی زد)، بد آدمی (بد آدمی مسئول این کار است)، نازنین آدمی (محمود نازنین آدمی است).

تجزیه روساختی صورت های بالا به قرار زیر است:

$$\text{گروه اسمی} \leftarrow \left\{ \begin{array}{c} \text{خوب} \\ \text{بد} \\ \text{صفت با معنی} \\ \text{"خوب" و یا "بد"} \end{array} \right\} + \text{اسم - ی}$$

جدول ۱

وابسته پیشین-۳		وابسته پیشین-۲		وابسته پیشین		اسم (هسته)
وابسته های اشاره	این آن همین همان	وابسته عدد و ممیز	یک (تن) دو سه ...	خانم پسر	آموزگار بچه	
	کدام چه چه اندازه چه جور چه طور چه نوع چند چندین					
	عجب چه چه قدر چه همه					
وابسته های پرسشی		وابسته عدد ترتیبی	یکمین دومین سومین ... آخرین			
وابسته های تعجب		وابسته صفت برترین	بهترین بزرگ ترین بد ترین ... تنها یگانه			

جدول ۲

اسم (هسته)	وابسته پیشین-۱	وابسته پیشین-۲	وابسته پیشین-۳
آموزگار(ی)			وابسته نامشخص
			هر هیچ چنین این چنین چنان آن چنان فلان این فلان آن فلان هیچ نوع/گونه هر نوع/گونه/جور همه همه گونه همه نوع همه جور آن قدر آن همه این همه چند
دانشجویان			برخی بعضی

ب-وابسته پیشین-۲

طبقه وابسته-۲ چهار زیر طبقه ی وابسته عدد و ممیز، عدد ترتیبی، صفت برترین و صفت های "تنها" و "یگانه" را در بر می گیرد.

وابسته عدد و ممیز:

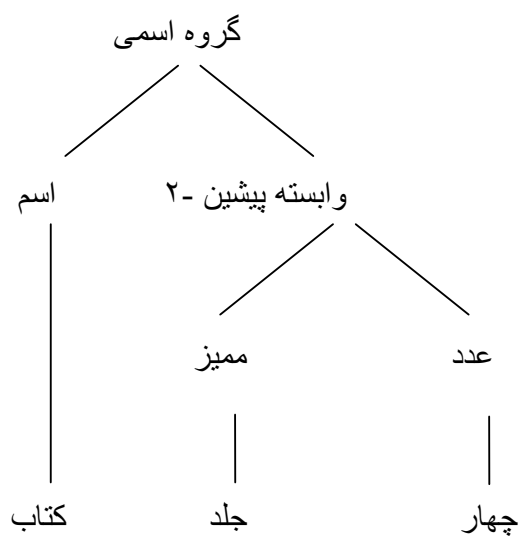
اعداد اصلی به همراه ممیز یا بدون آن به عنوان وابسته پیشین-۲ ممکن است به کار رود: وابسته پیشین-۲ ← عدد(ممیز)

(الف) ممیز ← عدد، تن، نفر، تا، رأس، فروند، فنجان، ظرف، سیخ، نوع، گونه، جور.

مانند نمونه های زیر:

- چهار جلد کتاب، (مثلا، در جمله "احمد چهار جلد کتاب خرید")
- سه تن کارگر، دو استکان چای، سه جور غذا.
- عدد بودن ممیز مانند نمونه های:
- سه پسر، چهار دانشجو، دو کارگر، پنج درخت.

نمودار درختی زیر نمونه ای از تجزیه روساختی بالا را نشان می دهد:



صورت های نمونه بالا نشان می دهد که عنصر ممیز از لحاظ معنایی با اسم همراه آن ارتباط دارد. به این معنی که ممیزها از میان واژه های زبان و متناسب با ویژگی های معنایی اسم برگزیده می شود، مثلا، "جلد" برای "کتاب"، "تن" برای "انسان"، "فنجان" برای "شیر" و "کیلو، گرم، سیر، مثقال" برای همه چیزهای وزن شدنی. از همین رو، به همراه برخی اسم ها ممیز های متفاوتی ممکن است به کار رود، مثلا "فنجان"، "لیوان"، "استکان"، "پیمانه"، "سطل" و جز اینها برای "شیر". با این حال چنان که در بالا گفته شد، ممکن است به همراه برخی اسم ها عدد به تنهایی به عنوان وابسته پیشین ۲- به کار رود، مانند نمونه های زیر:

سه مرد، پنج کتاب، دو خانه.

از لحاظ تجزیه روساختی به اسم هایی که ممکن است به همراه آنها عدد به تنهایی یعنی بدون ممیز به کار رود "اسم شمردنی" گفته می شود. از لحاظ معنایی، این گونه اسم ها به افراد و یا واحد های جدا از یکدیگر اشاره می کند، مانند نمونه های بالا. بر عکس، به اسم هایی که به تنهایی با وابسته عدد بدون ممیز به کار نمی رود، "اسم ناشمردنی" گفته می شود. از لحاظ معنایی، اسم ناشمردنی به جنس یا ماده طبیعی و توده وار مانند شیر، آب، گوشت، آرد، برنج، و یا اسم معنی مانند خطر، خوبی، هوش، دوستی، صداقت و جز اینها اشاره می کند. توضیح این نکته لازم است که اسم معنی به یک ویژگی معنایی مشترک میان پدیده های گوناگون اشاره می کند. مثلا، "خوبی" ویژگی مشترک کارهایی از جمله "انفاق"، "کمک کردن به دیگران" و "هدیه دادن" می باشد. روشن است که پدیده های توده وار از لحاظ معنایی قابل شمارش نیست، مگر این که بر حسب مقیاس هایی که ممیز بیانگر آن است، تفکیک و شماره شود. مثلا، شیر، آب، گوشت، و جز اینها با عدد بدون ممیز به کار نمی رود، چون در مورد آنها به طور محض هیچ چیز شمردنی وجود ندارد، و از همین رو همراه آمدن

آنها با عدد سازگار است. در مورد این گونه اسمها ممیز واحدهایی قابل شمارش را مشخص می سازد، مانند نمونه های زیر:

- پنج پیمانه شیر، دو لیوان آب، یک کیلو آب.

وابسته عدد ترتیبی:

نمونه های زیر تجزیه روساختی "عدد ترتیبی + اسم" را داراست:

- یکمین جایگاه، (مثلا، در جمله "این ورزشکار در یکمین جایگاه قهرمانی قرار

گرفت." پنجمین خیابان، دهمین سرباز، آخرین گروه.

چنان که مشاهده می شود "آخرین" نیز به عنوان یک وابسته ترتیبی در همین زیر طبقه

قرار می گیرد. ممیز به عنوان اسم یا هسته گروه اسمی به دنبال وابسته عدد ترتیبی نیز ظاهر

می شود، مانند نمونه های زیر:

- دومین جلد کتاب، چهارمین ظرف غذا.

وابسته صفت برترین:

وابسته صفت برترین با ساخت صرفی "صفت-ترین" و همچنین "یگانه" و "تنها" نیز زیر طبقه ای از وابسته پیشین -۲ را تشکیل می دهد. نمونه های زیر تجزیه روستا ساختی "صفت برترین + اسم" را داراست.

- بزرگ ترین خانه (مثلا، در جمله "این بزرگ ترین خانه است")، باریکترین خیابان، سودترین شهر، تنها خانواده باقی مانده.

"تنها" و "یگانه" نیز همانند وابسته صفت برترین در جایگاه وابسته پیشین -۲ ظاهر می شود، و از لحاظ معنی نیز بر محدودیت تاکید دارد. وابسته های مذکور در ساخت نحوی ویژه ای به کار می رود. یعنی می تواند با یکی از وابسته های اشاره و یا "کدام" از وابسته های پیشین -۳ به کار می رود، ولی به هر حال، ظاهر شدن یکی از دو وابسته اسمی و یا جمله وابسته و یا هر دو آنها الزامی است. تجزیه روستا ساختی زیر چگونگی کاربرد دو وابسته مذکور یعنی، "تنها" و "یگانه" را نشان می دهد:

$$\left\{ \begin{array}{l} \text{وابسته اسمی} \\ \text{جمله وابسته} \end{array} \right\} + \left\{ \begin{array}{l} \text{تنها} \\ \text{یگانه} \end{array} \right\} (\left\{ \begin{array}{l} \text{وابسته اشاره} \\ \text{کدام} \end{array} \right\}) \leftarrow \text{گروه اسمی}$$

مانند نمونه های زیر:

- یگانه مبدا هستی (مثلاً، در جمله "یگانه مبدا هستی خداست")، همین تنها منبع

نور و حرارت منظومه ما (موجب رشد جانداران و گیاهان است.) این تنها دختر

احمد که دانشجوی زبان و ادبیات فارسی است،...

از لحاظ معنایی، "یگانه" تنها به یک فرد، واحد، مورد و یا موضوع اشاره می‌کند، در

حالی که "تنها" ممکن است فقط به یک و یا شمار محدودی از افراد، واحد ها و یا موارد

دلالت نماید، مانند نمونه‌های زیر:

- یگانه کارگر مبتکر این کارخانه (وسیله جدیدی ساخته است.)

- تنها خانه‌هایی که در این شهر سالم مانده است (همین چند تاست.)

ج. وابسته پیشین - ۳

در جایگاه وابسته پیشین-۳، چهار زیر طبقه وابسته اشاره، وابسته پرسشی، وابسته تعجب

و وابسته نامشخص ظاهر می‌شود. عناصر چهار زیر طبقه یاد شده در جدول (۱) نشان داده

شده است. وابسته های اشاره و نیز "کدام"، "عجب"، "هر" از وابسته های پیشین-۳ همراه

عناصر وابسته پیشین-۲ می‌تواند به کار روند. ترتیب و توالی وابسته پیشین-۳ به همراه

وابسته پیشین-۲ و وابسته پیشین-۱ در گروه اسمی را به صورت زیر می‌توان نشان داد:



مانند:

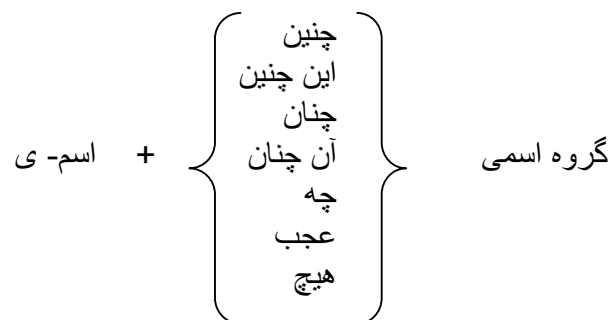
- این چند تن خانم آموزگار (مثلا، در جمله "این چند تن خانم آموزگار کتابی نوشته اند"، همان ساده ترین کار، بعضی مردم، این آموزگار.

از آنجا که هیچ یک از عناصر وابسته اصلی نیست، ممکن است برخی از آن ها در زنجیره گروه اسمی ظاهر نشود، و در نتیجه عنصر وابسته بعدی در جای نزدیکتری به اسم قرار گیرد، دو گروه اسمی نمونه زیر را مقایسه کنید:

- این سه تن خانم آموزگار،
- این آموزگار،

عناصر وابسته پیشین-۳ با یکدیگر به کار نمی روند.

برخی از وابسته های نامشخص و نیز "چه" و "عجب" از وابسته های پیشین-۳ الزاما به همراه اسم با نشانه نکره به کار می رود. به تجزیه روساختی زیر توجه کنید:



روساختهای نحوی بالا با اسم بدون نشانه نکره "ی"، نادرست و یا نادر است: چنین آدمی، چه روزی، عجب هوایی، هیچ سربازی، بقیه عناصر وابسته های نامشخص ممکن است به همراه اسم با نشانه نکره و یا بدون آن به کار رود، مانند نمونه های زیر:

• هر آدمی، هر آدم، چن تنی، چند تن.

با این حال، وابسته "هیچ" با اسم بدون نشانه نکره نیز به کار می رود، مانند نمونه های زیر:

• هیچ کس، هیچ وقت، هیچ گاه، هیچ جا.

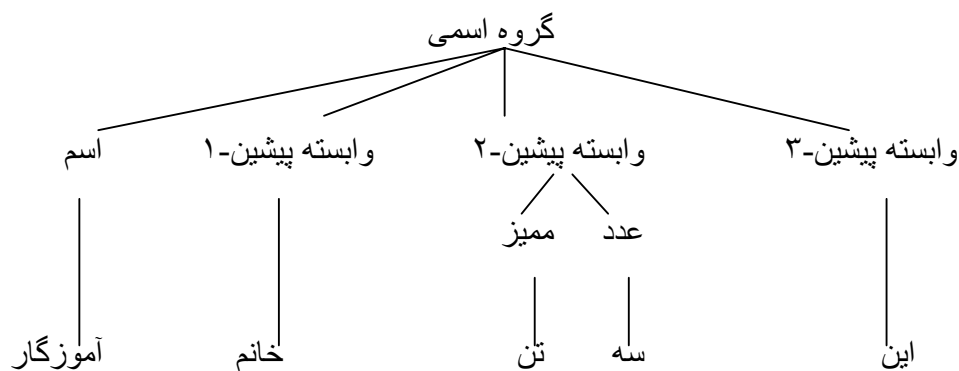
"بعضی" و "برخی" از وابسته های نامشخص به همراه اسم با نشانه جمع و یا اسم جمع

ظاهر می شود مانند نمونه های زیر:

• برخی مردان، بعضی گیاهان، بعضی مردم.

نمودار درختی نمونه زیر تجزیه روساختی گروه اسمی با وابسته های پیشین را نشان می

دهد:



تنها وابسته های عدد ترتیبی و صفت برترین ممکن است به صورت تکرار همپایه به کار

رود، مانند نمونه های زیر:

• سالم ترین و باهوش ترین بچه ها، (مثلاً، در جمله "سالم ترین و باهوش ترین

بچه ها" برای فرگيري این ورزش سخت انتخاب شدند)، بهترین و بزرگترین

خانه، خوبترین یا بدترین کتاب، اولین و چهارمین خانه.

"این" و "همین" معنی "اشاره به نزدیک" و "آن" و "همان" معنی "اشاره به دور" را

داراست. وابسته های اشاره "همین" و "همان" علاوه بر اشاره به نزدیک و اشاره به دور

معنی "تاکید" را نیز در بر دارد. از وابسته های پرسشی، "کدام" و "چه" برای "شناختن و یا

تشخیص ماهیت"، "چند" برای "تشخیص تعداد"، "چندمین" برای "تشخیص ترتیب" و

بالاخره بقیه وابسته های پرسشی نیز برای "تشخیص مقدار، اندازه" و یا "تشخیص نوع و یا حالت" به کار می رود.

وابسته های نامشخص چنان که از اسمشان پیداست، به طور نامشخص به فردی، واحدی، موردی، مقداری، تعدادی و یا به تمامی افراد، واحدها و موردهای یک نوع اشاره می کنند. هر "برای اشاره به یکایک افراد، واحدها و یا موردها"، "همه" برای اشاره به تمامی افراد، واحدها و موردهای یک نوع و "هیچ" به معنی نفی یکایک آن ها به کار می رود.

۴- سمائی (واژگان در دستور سنج، رساله دکتری زبانشناسی)

محمودی (۱۹۹۴) گروه اسمی را به دو دسته کرده است: ساده و مرکب. گروه اسمی ساده عناصری مانند /او و علی و فلانی هستند. گروه اسمی مرکب خود به دو دسته است: گروه اسمی مقید و گروه اسمی پیوسته. گروه اسمی مقید از یک پیش تعیین کننده (Predeterminer) اختیاری و یک هسته و وابسته های پسین تشکیل می شود. در گروه اسمی پیوسته کسره اضافه وجود ندارد. ترکیبی نظیر *مردی سهل انگار* نمونه ای از این دسته است. محمودی در نهایت قاعده ساختن بیست و چهار گروه اسمی را ارائه می کند. (۱۹۹۴، ص ۱۷۱-۱۹۱). ترجمه قاعده ها و مثال های او از این قرار است:

مثال	قاعده	
برف زمین	اسم + اسم	۱
بهار زیبا	اسم + صفت	۲
نگاه او	اسم + ضمیر	۳
باغ علی	اسم + اسم خاص	۴
غم گذشته	اسم + اسم مفعول	۵
سال دو هزار	اسم + عدد	۶
من خسته	ضمیر شخصی + صفت	۷
خود من	ضمیر تأکیدی + ضمیر شخصی	۸
خود مرد	ضمیر تأکیدی + اسم	۹
خود بیچاره اش	ضمیر انعکاسی + ضمیر متصل	۱۰

جلال آل احمد	اسم خاص + اسم خاص	۱۱
آمدن بهار	مصدر + اسم	۱۲
رئیس شورای ده	اسم + اسم + اسم	۱۳
در خانه علی	اسم + اسم + اسم خاص	۱۴
تاریخ ایران قدیم	اسم + اسم + صفت	۱۵
تاریخ نوین علوم	اسم + صفت + اسم	۱۶
گل سرخ زیبا	اسم + صفت + صفت	۱۷
دریای زیبای آبی وسیع	اسم + صفت + صفت + صفت	۱۸
گل سرخ زیبای باغ	اسم + صفت + صفت + اسم	۱۹
سگ سیاه همسایه علی	اسم + صفت + اسم + اسم خاص	۲۰
گل سرخ زیبای باغ بزرگ شهر	اسم + صفت + صفت + اسم + صفت + اسم	۲۱
گل زیبای آبی باغ بزرگ همسایه ما	اسم + صفت + صفت + صفت + اسم + صفت + اسم + ضمیر	۲۲
تحقیق ارزشمند پاسکال	اسم + صفت + اسم خاص	۲۳
سگ سیاه و بزرگ همسایه	اسم + صفت + حرف عطف + صفت + اسم	۲۴

گروه اسمی

گروه اسمی در این رساله از دو نظر با گروه اسمی صادقی و مشکوه الدینی تفاوت

دارد. اولاً قاعده ها کاملاً صوری هستند و ثانياً اعداد به صورت الگوریتم درآمده و در

جایگاه وابسته پیشین قرار گرفته اند. صوری بودن قاعده ها و دخالت ندادن معنی وجه

مشترک گروه اسمی این رساله با قاعده های محمودی و ذکر گروه اعداد و قاعده های مربوط به وابسته های پیشین باعث متفاوت بودن آن از کار او است. الگوریتم های محمودی فقط شامل هسته و وابسته های پسین بوده است.

ابتدا رابطه هسته با وابسته های پسین بررسی و سپس قاعده های آن ارائه می شود.

بخش بعد از آن مربوط به قاعده ترکیب وابسته های پیشین با هسته و وابسته های پسین خواهد بود.

قواعد ترکیب صفت های پیشین با هسته و وابسته های پسین

مثال	قاعده
این سیب من/ همان سیب پنجاه و پنج	۱- صفت اشاره + گروه اسمی
بعضی از سیب های من/ هر سیب درخت او/ چند زیارت همسایه علی.	۲- صفت مبهم مرکب (صفت نا مشخص، صفت مبهم بسیط) + گروه اسمی. یادآوری: ۱- هر گاه وابسته پیشین صفت مبهم مرکب باشد هسته گروه اسمی جمع خواهد بود. یادآوری: ۲- هر گاه وابسته پیشین صفت نا مشخص یا صفت مبهم بسیط باشد هسته گروه اسمی مفرد خواهد بود.
پنج سیب درخت/ پنجمین سیب او بهترین زیارت دویست و یازدهم	۳- عدد اصلی (عدد ترتیبی، گروه اعداد اصلی، گروه اعداد ترتیبی، صفت عالی) + گروه اسمی. یادآوری: هر گاه وابسته پیشین عدد گروه اعداد باشد هسته گروه اسمی مفرد خواهد بود.
این دویست سیب او/ این دویستمین زیارت علی/ این بهترین خوردن درخت یکدیگر	۴- صفت اشاره + عدد اصلی (عدد ترتیبی، گروه اعداد اصلی، گروه اعداد ترتیبی، صفت عالی) + گروه اسمی.

این بهترین پسر های شهر این بهترین پسر شهر	یادآوری: ۱- هر گاه صفت اشاره و عدد هر دو وابسته پیشین باشند هسته گروه اسمی مفرد واهد بود. یادآوری: ۲- هر گاه صفت اشاره و صفت عالی با هم وابسته پیشین باشند هسته گروه اسمی می تواند جمع یا مفرد باشد.	
این چند سیب درخت شما	۵- صفت اشاره + صفت مبهم بسیط + گروه اسمی. یادآوری: هر گاه صفت اشاره و صفت مبهم بسیط با هم وابسته پیشین باشد هسته گروه اسمی مفرد خواهد بود.	
بسیاری از بزرگ ترین سیب های دویست و پنجم	۶- صفت مبهم مرکب + صفت عالی + گروه اسمی. یادآوری: هر گاه صفت مبهم مرکب و صفت عالی با هم وابسته پیشین باشند هسته گروه اسمی جمع خواهد بود.	
سیب ها /درخت ها، درختان /علی ها /مردم ها	۷- همه اسمها به جز اسم خاص نشمردنی و اسم جمع نشمردنی جمع بسته می شوند.	

۵- ماهوتیان

گروه اسم

توصیف صوری گروه اسم

گروه اسمی عنصری است که در نقشهای مختلفی نظیر نقش فاعل و مفعول مستقیم و مفعول غیر مستقیم و مفعول حرف اضافه ای در جمله به کار می رود. گروه اسم می تواند اسمی ساده یا ضمیر یا اسم مرکب یا اسمی وابسته دار یا بند اسمی باشد. نشانه های صرفی مانند مفعول نمای معرفه را و نشانه نکره - ی و نشانه جمع یعنی - ها فقط به گروه اسم متصل می شوند.

توصیف کننده های گروه اسم

صفت در گروه اسم

با صفت می توان گروه اسمی را توصیف کرد. صفت عالی قبل از اسم می آید ولی تقریباً همه صفت های دیگر با علامت اضافه و پس از اسم می آیند.

• بزرگترین الماس

• یه الماس بزرگ

چند استثناء در ترتیب قرار گرفتن صفت و اسم با یکدیگر وجود دارد. اولین استثناء شامل صفت پیر است. این صفت را می توان با ساخت اضافه و قبل از اسم زن و مرد آورد و گروه اسم معرفه (یا + مشخص) یا گروه اسم نکره ساخت.

• پیرمرد

• پیرزنی (مشخص)

صفت پیر را می توان پس از اسم نیز آورد اما در این حالت هم می توان آن را به صورت مشخص (معرفه) و هم اگر گروه اسم نکره باشد به صورت نامشخص ادا کرد.

- زن پیری (زن پیر مشخصی)

دومین استثناء در ترتیب همنشینی صفت و اسم مربوط به کلماتی نظیر خوب و بد و بیچاره و حیوانکی است. این صفتها را می توان بدون استفاده از ساخت اضافه و قبل از اسم آورد.

- حیوانکی فرشته

- خوب جائیه (جائی است)

باید به یاد داشت که این صفتها را می توان با ساخت اضافه و پس از اسم نیز قرار داد بی آنکه معنی صفت تغییر کند.

بند موصولی

گروه اسم را می توان با بند موصولی توصیف کرد. بند موصولی که با متمم نمادی که شروع می شود پس از اسم می آید.

کلای (کلاه) قرمزی که توی مغازه دیدم.

صفت ملکی در گروه اسم

صفت ملکی چه به صورت اسم باشد و چه به صورت ضمیر شخصی یا ضمیر انعکاسی به صورت ساخت اضافه اسم را تعریف می کند.

- همسایه برادرم

- حوله من

- ماشین خودم

حرف تعریف

در زبان فارسی فارسی حرف تعریف معرفه وجود ندارد. حرف تعریف نکره که قبل از گروه اسم می آید همان عدد یه (یک) است. ساخت گسسته یه (یک).... - ی نیز نشانه گروه اسم نکره است. یه (یک) در این ساخت اختیاری است و قبل از گروه اسم می آید و - ی به انتهای گروه اسم متصل می شود.

- یه لیوان پر
- (یه) کتاب جالبی

صفت اشاره

صفت اشاره این و اون قبل از گروه اسم می آیند. صفت‌های اشاره را جمع نمی بندند. با اسم هائی که جمع بسته شده اند نیز صفت اشاره مفرد به کار می رود.

- این اسلحه
- اون فرش (فرشها)

سور و عدد

سورها و اعداد را قبل از اسم می آورند.

- دیویست صفه (صفحه)

توصیف اسم با ساخت اضافه

ساخت اضافه یکی از ابزار زایا برای توصیف اسم است و برای اتصال هسته های غیر فعلی به متممشان نیز به کار می رود. یکی از بحث‌های جامع درباره ساخت اضافه در رساله ویدا

سمیعیان آمده است (سمیعیان، ۱۹۸۳، ص ۶۷-۱۷). اینک خلاصه نکات اصلی و نمائی از این ساخت مهم در فارسی امروز ارائه می شود.

با اضافه می توان اسمی را که هسته است به گروه صفت، گروه اسم، گروه قید، گروه حرف اضافه و مصدر (infinitive) وصل کرد. با اضافه می شود صفت و سور و حرف اضافه را نیز به متممشان متصل کرد. (همچنین برای بحث درباره دو تحلیل نحوی متفاوت ساخت اضافه با نظریه ایکس تیره (x-bar) به ماهوتیان، ۱۹۹۳، ص ۷۴-۷۹؛ و سمیعیان، ۱۹۸۳، ص ۶۰-۶۵ مراجعه شود).

اضافه یک مصوب بی تکیه یعنی [e] است که پس از مصوتها به صورت [ye] در می آید و بین هسته گروه و توصیف کننده های پس از آن قرار می گیرد و چنین زنجیره ای می سازد:

عنصر توصیف شده + اضافه + عنصر توصیف کننده

توصیف کننده در مثال اول یک صفت است و در مثال شماره دوم یک اسم و در مثال سوم گروه حرف اضافه.

• کلای (کلاه) بنفش

• انگشتر الماس

• میز توی آشپزخانه

متمم های اضافه می توانند درونه گرفته (embedded) باشند و هر متمم با جزء اضافه در پی متمم قبلی بیاید. وقتی گروه اسم چند توصیف کننده داشته باشد ترتیب قرار گرفتن آنها از راست به چپ چنین خواهد بود:

اسم + اسم وصفی + صفت + گروه حرف اضافه + مضاف الیه

در مثال زیر اسم میز که هسته است به ترتیب و از راست به چپ [در خط فارسی] این وابسته ها را گرفته است: اسم وصفی بلوط، صفت گرد، گروه حرف اضافه توی آشپزخانه، مضاف الیه مادرم.

میز بلوط گرد توی آشپزخونه مادرم

واژه بستیهای معرفه و نکره و ضمائر ملکی همه به انتهای گروه اسم اضافه می شوند. در اولین مثال زیر، گروه اسم مفعول است و بنابراین باید علامت مفعول نمای معرفه یعنی - (o)-ra بگیرد. در دومین مثال، نکره نما (indefinite marker) یعنی - ی به انتهای گروه اسم اضافه شده است.

- انگشتر زمرد گرون پدرمو در اسپانیا خریدم
- انگشتر زمرد گرونی

انواع اضافه در گروه اسمی

عنصر توصیف کننده در گروه اسم روابط مختلفی با هسته می تواند داشته باشد. عنصر مذکور ممکن است مضاف الیه یا صفت وصفی یا بدل باشد. برای اتصال نام به نام خانوادگی نیز از اضافه استفاده می کنند.

الف) مضاف الیه

با اضافه می توان توصیف کننده را با رابطه ملکی به عنصر توصیف شونده وصل کرد. توصیف کننده و توصیف شونده هر دو اسم هستند.

- کفش فیروز

- امید من

ب) صفت وصفی

بسیاری از روابط صفت گونه را با اتصال اسم و صفت و گروه حرف اضافه و مصدر به اسم می سازند.

- کتاب تاریخ

- کتاب جالب
- کتاب زیر صندلی
- وقت رفتن

(ج) بدل

رابطه بین توصیف کننده و توصیف شونده در مورد مکانهای جغرافیائی به صورت یکی از انواع بدل است.

- کوره البرز
- خلیج فارس

(د) نام و نام خانوادگی

با اضافه همچنین می توان نام و نام خانوادگی را به هم وصل کرد. نام قبل از نام خانوادگی می آید. این ساخت را برای نامیدن دیگران و معرفی خود به طور رایج به کار می برند.

- پروین مسعودی
- اضافه در گروه صفت
- نگران برادرم
- بلندترین دخترا
- آماده هر چی
- اضافه در گروه سورها

ساخت تقسیمی (partitive) را با اتصال سور به اسم می سازند. سور قبل از اسم می آید.

- تمام بچه ها
- هیچکدام بچه ها

اضافه در گروه حرف اضافه

فقط برای اتصال برخی حروف اضافه به متممشان [به اسم پس از حرف اضافه] از جزء

اضافه استفاده می کنند..

- پشت درخت
- کنار رود خونه

اجتماع چند توصیف کننده همجنس

هر اسم را می توان با چند توصیف کننده همجنس توصیف کرد. می توان با چند صفت یا چند

بند موصولی یا چند سور اسم واحدی را توصیف کرد.

توصیف اسم با چند صفت

از شش امکان ترکیب سه نوع صفت مربوط به رنگ و اندازه و قدمت فقط دو ترکیب است

که بهتر است به گونه ای خاص به کار برده شوند تا بی نشان باشند و حالت تأکید و تقابل

دهنده نداشته باشند. این دو ترکیب را با آوردن صفت اندازه قبل از صفت رنگ و قرار دادن

صفت قدمت قبل از صفت اندازه می سازند.

- به بادکنک بزرگ قرمز
- خونه قدیمی بزرگ

هیچیک از ترکیبهای صفتهای مربوط به رنگ و اندازه و قدمت با دیگر صفتها از نظر بی

نشان بودن بر ترکیبهای دیگر ترجیح ندارد.

- چراغ قدیمی آبی
- چراغ آبی قدیمی

اگر اسم دو صفت داشته باشد صفتها را می توان با جزء اضافه یا حرف ربط O- (و) به یکدیگر متصل کرد.

- یه بادکنک بزرگ و قرمز

- یه بادکنک بزرگ قرمز

اگر اسم سه صفت یا بیشتر داشته باشد اتصال آنها با ساخت اضافه بر اتصال آنها با حرف ربط ترجیح دارد.

توصیف اسم با چند بند موصولی

از یک یا چند بند موصولی می توان برای توصیف اسم استفاده کرد. در این صورت باید جزء اشاره - ی را به اسم اضافه کرد. بند موصولی نیز با ضمیر موصولی یعنی که شروع خواهد شد.

- بشقابی که مادرم دوست داره که تو شیکستی

- توصیف اسم با صفت ملکی

هر تعداد صفت ملکی را می توان با جزء اضافه به یکدیگر وصل کرد و آنها را پس از اسم آورد.

- دختر خوشگل همسایه برادر دوست علی

- توصیف اسم با اجتماع سور و عدد

صفت کمیت نما (quantifying adjective) و عدد را می توان در کنار هم برای توصیف اسم قرار داد. در این حالت صفت کمیت نما قبل از عدد می آید.

- هر سه تا دختر دانشجو اند

ترکیبات غیر مجاز توصیف کننده ها

فقط اجتماع سه توصیف کننده با یکدیگر مجاز نیست. بدین معنی که حرف تعریف نکره یه /
یک و یه / یک... ی را نمی توان با صفت ملکی و صفت اشاره یا سورها آورد.

۶- کیت براون

از نگاه سنتی گروه اسمی حداقل از یک اسم (هسته) و تعدادی وابسته تشکیل می شود. وابسته های گروه اسمی عبارتند از وابسته های پیشین، کمیت نما، صفت و گروه صفتی، اسم و گروه اسمی، حرف اضافه و گروه حرف اضافه ای و بندها.

وابسته های پیشین

این طبقه شامل حروف تعریف، تعیین کننده های شخصی^۲، صفت های اشاره، صفت های پرسشی، صفت های تعجبی و تعیین کننده های مقدار^۳ است.

حرف تعریف

حرف تعریف معرفه یا نکره بودن اسم را نشان می دهد. در انگلیسی حرف تعریف the معرفگی و a و some نکرگی را نشان می دهد.

تعیین کننده های شخصی

وابسته هایی هستند که شخص یک گروه اسمی را معین می کنند. در we و you (جمع) تعیین کننده شخصی هستند که به همراه اسم های عام جمع می آیند. مانند:

- We students, you students

^۲ Personal determiner

^۳ Quality determiner

صفت اشاره

برای اشاره به جایگاه مرجع گروه اسمی با توجه به بافت گوینده به کار می روند. صفت های اشاره انگلیسی عبارتند از this, these و that, those که با اسم های عام به کار می روند. مانند:

- This box, these boxes, that box, those boxes

صفت پرسشی

صفت های پرسشی در انگلیسی کلماتی مانند which و what هستند. مثال:

- Which box?, what box?

صفت تعجبی

صفت های تعجبی در انگلیسی کلماتی مانند what هستند. مانند:

- What a fool!, what fools!

تعیین کننده مقدار

کلماتی مانند such. مثال:

- Such a fool, such fools.

کمیت نما

کمیت نماها به طور کلی کمیت عناصری که گروه اسمی به آن ها اشاره می کند را، نشان می

دهند. کمیت نماهای متعارف در زبان انگلیسی عبارتند از: *all, both, half, every,*

each, any, either, some, much, enough, several, many (more,

most), a few, few (fewer, fewest), a little, little (less, least), neither,

no, together with the cardinal numerals one, two, three, etc.

مثال ها:

- All the boxes, enough boxes, few boxes, no boxes, two boxes.

صفت و گروه صفتی

این گروه شامل صفت ها مانند *red, large, round* و نیز اعداد ترتیبی مانند *first* و

second و صفت هایی مانند *next* و *last*، و نیز *as same* و *other* و هم چنین کل

طبقه کمیت نماها است.

اسم ها و گروه اسمی

اسم ها خود می توانند به عنوان وابسته همراه با گروه اسمی به کار روند. مانند:

- *A plastic factory*

حروف اضافه و بندها در زبان انگلیسی وابسته پسین محسوب می شوند.

یکی از کاربردهای تحلیل رایانه ای نحو زبان فارسی در حوزه ترجمه ماشینی هوش مصنوعی است. گروه اسمی اصلی ترین و مهمترین سازه در تحلیل رایانه ای زبان فارسی است. این گروه از یک کلمه یا گروهی از کلمات ساخته می شود. هنگامی که گروه اسمی با گروهی از کلمات ساخته شده باشد یک هسته و تعدادی وابسته دارد. هسته اجباری و وابسته ها اختیاری است. اگر گروه اسمی فقط از یک کلمه ساخته شده باشد همان کلمه که معمولاً اسم یا ضمیر است هسته گروهی اسمی خواهد بود. در این مقاله قاعده ساخت گروه اسمی عرضه خواهد شد.

۱- هسته

هسته - چنانکه ذکر شد - یا اسم است یا ضمیر. برای تشخیص اسم در زبان فارسی از ملاکهای صرفی یا نحوی می توان استفاده کرد. پسوند جمع ملاکی صرفی است که می توان آن را همراه اسم آورد:

مدرسه = مدرسه ها مرد = مردان

ملاکهای نحوی بر دو نوع است:

الف: استفاده از کلمات یا عناصری که همراه اسم می توانند بیایند و ترکیبی نحوی بسازند. نظیر صفت اشاره، صفت مبهم، صفت پرسشی، عدد، صفت بیانی، متمم اسمی (مضاف الیه). مثال: این کتاب، همه کتابها، کدام کتاب، پنج کتاب، کتاب زیبا، مدرسه شهر.

ب: قرار دادن اسم در نقشهای نحوی نظیر نهاد و مفعول و متمم حرف اضافه و تمیز و بدل.

نهاد: پسر سیب را خورد.

مفعول: پسر را دیدم.

متمم حرف اضافه: کتابی درباره زندگی چادر نشینان خریدم.

تمیز: من کشورم را خانه می دانم.

بدل: این میوه مفید، انار، در ساوه فراوان است.

ضمیر نیز در جایگاه هسته گروه اسمی قرار می گیرد. هفت نوع ضمیر وجود دارد:

ضمیر شخصی جدا منفصل، ضمیر شخصی پیوسته (متصل)، ضمیر تأکیدی، ضمیر

متقابل، ضمیر اشاره، ضمیر پرسشی، ضمیر مبهم.

ضمیر شخصی جدا شامل من، تو، او، ما، شما، آنها (آنان، ایشان). این ضمائر در همه

نقشهای نحوی اسم به کار می رود.

ضمیر شخصی پیوسته شامل م، ت، ش، مان، تان، شان.

این ضمائر به دو شکل به کار می رود یکی همراه با اسم و با نام ضمائر ملکی. مثال:

کتابش پاره شد. خانه اش را فروخت. دیگر در جمله هایی مانند: سردم شد. دردم

گرفت. این جمله ها از برخی اسمها و صفتها به اضافه ضمیر پیوسته و سوم شخص

مفرد بعضی افعال ساخته می شود. ضمیر پیوسته در این جمله ها به شخصی اشاره می

کند که فعل به او مربوط می شود.

ضمائر تأکیدی، شامل خودم و خودت و خودش و خودمان و خودتان و خودشان هستند.

این ضمائر در نقش نهاد و مفهوم و متمم حرف اضافه و مسند و بدل قرار می گیرد:

نهاد: خودش نامه را فرستاد.

مفعول: او خودت را در خیابان دید.

متمم حرف اضافه: علی کفش را برای خودتان خرید.

مسند: داناترین آدم این شهر خودش است.

بدل: تو خودت دفتر را گرفتی.

هنگامی که ضمیر تأکیدی با نهاد هم مرجع باشد به آن ضمیر انعکاسی می گویند.

ضمیر تأکیدی در نقش نهاد و بدل همواره انعکاسی است. یعنی به اجبار با نهاد خود هم مرجع است.

نوع دیگری از ضمیر تأکیدی نیز هست که در ساختهای اضافه ای مثل: خود من، خود این بچه ها می آید:

خود من او را دیدم.

آموزگار کتاب را به خود این بچه ها داد.

ضمایر متقابل شامل یکدیگر و همدیگر و هم هستند. شکل این ضمایر ثابت است و در

نقش مفعول و متمم حرف اضافه و مسند قرار می گیرند:

مفعول: آنها یکدیگر را دیدند.

متمم حرف اضافه: بچه ها کتابشان را به همدیگر دادند.

مسند: علی و رضا دوست همدیگر هستند.

هیچ محدودیتی از لحاظ دستوری در جانشین شدن این سه ضمیر به جای هم وجود

ندارد. یکدیگر در متون و زبان ادبی کاربرد دارد.

ضمایر اشاره شامل این و آن و همین و همان هستند. این ضمایر در تمام نقشهای نحوی

اسم به کار می روند:

نهاد: این آدم را به خنده می اندازد.

مفعول: همان را خرید.

متمم حرف اضافه: طناب را به آن بستند.

مسند: بهترین تفریح همین است.

تمیز: بهترین کار را همین می دانم.

بدل: دوستان علی، همانها، کاری برایش پیدا کردند.

ضمایر پرسشی شامل کدام و کدامیک و چه و که هستند، این ضمایر در تمام نقشهای

نحوی اسم - به جز بدل - قرار می گرد:

نهاد: که آمد؟

مفعول: کدام را پسندیدی؟

متمم حرف اضافه: کتاب را به کدامیک دادی؟

مسند: بهترین میوه تابستانی چه است؟

تمیز: تو این کار چه می نامی؟

ضمایر مبهم شامل آدم و همه و بعضی و برخی و بسیاری و کسی و یکی هستند. این

ضمایر درن قش نهاد و مفعول و متمم حرف اضافه و بدل به کار می روند:

نهاد: کسی می آید.

مفعول: بچه ها بعضی را دیدند.

متمم حرف اضافه: او بدهکاریهایش را به آدم می بخشد.

بدل: دانشمندان، برخی، پژوهشهای بسیار طولانی می کنند.

ضمایر را به ندرت همانند اسم می توان گسترش داد و وابسته های پیشین و پسین به آنها افزود. گسترش ضمایر محدود است و ترکیبهایی نظیر من بدبخت و خود بیچاره اش و هیچ منی نادر است.

۲- وابسته

۲-۱- وابسته پیشین

عناصری که در گروه اسمی قبل از هسته می آیند وابسته های پیشین نام دارند. این وابسته ها عبارتند از صفت اشاره، عدد، ممیز، صفت عالی، شاخص، صفت پرسشی، صفت مبهم، صفت تعجبی، یک نکره.

۲-۱-۱- صفت اشاره

شامل این، آن، همین، همانف چنین، چنان، یک چنین، اینهمه، اینقدر. این وابسته ها برای اشاره اند و اسم را معرفه می کنند. چنین و چنان شباهت را نیز می رسانند. این دو صفت را در سبک کهن گرا پس از اسم نیز می توان آورد: پسری چنین، مردی چنان، اینهمه و اینقدر علاوه بر اشاره، تعداد و مقدار را هم می رسانند: اینهمه کتاب، اینقدر آرد.

۲-۱-۲- عدد

دو نوع عدد وجود دارد:

الف: عدد اصلی، نظیر یک، دو، سه، الی آخر.

ب: عدد ترتیبی، این دسته اعداد را به دو صورت می سازند. یکی با افزودن پسوند «م» به اعداد اصلی: چهارم چهارم ۱. این دسته اعداد ترتیبی را نوع اول می نامیم. نوع دیگر اعداد ترتیبی که آن را در اینجا نوع دوم می نامیم با افزودن پسوند «ین» به

اعداد ترتیبی نوع اول ساخته می شود: چهارم چهارمین. اعداد ترتیبی نوع اول جزء وابسته های پسین و نوع دوم جزء وابسته های پیشین هستند. اسمی که بعد از اعداد ترتیبی نوع دوم می آید معمولاً مفرد است اما گاهی در بعضی ترکیبات مشخص به شکل جمع می آید: پنجمین خیابان، سومین کتابهای این ردیف، اعداد ترتیبی اسم را معرفی می کنند.

اعداد خود دارای گروه هستند و با قواعد معینی با هم ترکیب می شوند و با اسم می آیند. اعداد اصلی به هفت طبقه تقسیم می شوند:

الف: یک تا نه

ب: ده تا نوزده

ج: بیست تا نود

د: صد تا نهصد

ه: هزار

و: میلیون

ز: میلیارد

اعداد مذکور با این قواعد با هم ترکیب می شوند:

- اعداد دسته های بزرگتر اول می آیند و اعداد کوچکتر با حرف ربط «و» بعد از آنها: بیست و چهار.

- هیچ عددی با عدد گروه خودش جمع نمی شود: هزار و هزار ۲.

- اعداد دسته الف با ب جمع نمی شوند: دویازده.

- اعداد دسته ب با ج جمع نمی شوند: دوازده چهل

- در ضرب اعداد گروه کوچکتر اول می آیند: دو هزار

- اعداد هیچ گروهی در اعداد همان گروه ضرب نمی شوند: صد صد ۳

- فقط یکی از اعداد چهار گروه اول می توانند در یکی از اعداد گروه بعد ضرب شود:

دو هزار، ده میلیون.

۱-۲-۱-۲ ممیز

ممیزها وابسته اعداد هستند و بین اعداد اصلی و اسم پس از آنها - یعنی محدود - می آیند.

ممیزها شامل عناصری نظیر فقره و جلد و برگ و تن و فروند و رأس و دست و نفر هستند: دو جلد کتاب، دو دست چایخوری، یک رأس اسب، سه برگ سند.

۱-۲-۳- صفت عالی

صفت عالی از صفت به اضافه پسوند «ترین» ساخته می شود: بزرگترین مدرسه. این صفت اسم بعد از خود را معرفه می کند. برخی الفاظ نظیر تک و یگانه و تنها، از این لحاظ که اسم بعد از خود را محدود و منحصر می کنند، همانند صفت عالی هستند. یعنی از لحاظ معنایی - نه ساختمان صرفی - همانند صفت عالی هستند مثال: تک دختر خانواده، یگانه پسر ارباب، تنها کوچه پاکیزه.

۱-۲-۴- شاخص

اسم یا صفتی است که برای محدود کردن اسم یا احترام قبل از آن می آید. شاخصها الفاظی از این دست اند: خانم، عمو، دایی، استاد، آقا، حاجی، امام، سلطان، خواجه، جناب، مهندس، دکتر، قاضی، شهید، اسامی درجات نظامی نیز جزء شاخصها هستند: سرکار، گروهبان، ستوان، سرگرد، برخی شاخصها به دلیل کثرت کاربرد به اسم پس

از خود جوش خورده و اسم مرکب ساخته اند: شیرکوه، زربنه رود، سفید رود، جزء اول در اضافه های مقلوب نیز شاخص هستند: جوجه کباب، پایین خیابان، شاخصها اسم را معرفه می کنند.

۲-۱-۵- صفت پرسشی

صفت های پرسشی شامل این عناصر است: کدام، کدامیک از، چند، چه، چندمین، چگونه، چه نوع، چه جور، چقدر، مثال: کدام کتاب؟ چه کتابی؟ چندمین کتاب؟ کدامیک از کتابها؟ کدام و کدامیک اسم را معرفه می کنند. آمدن دیگر صفت های پرسشی قبل از اسم، آن را نکره می کند.

۲-۱-۶- صفت مبهم

این صفات خصوصیات نامشخصی را به اسم اضافه و آن را نکره می کنند. صفت های مبهم عبارتند از: کدام، هر، هیچ، همه، بعضی، برخی، چند، چندین، بعضی از، برخی از، هر یک از، هر کدام از، هیچیک از، هیچکدام، هیچکدام از.

به اسمی که بعد از هر می آید می توان «ی» نکره افزود: هر مدرسه ای. هر با الفاظ گونه و جنس و قسم و نوع و جور ترکیب می شود و صفت مبهم مرکب می سازد: هر قسم کتاب.

هیچ اسم بعد از خود را نفی می کند. اسمی که بعد از آن می آید «ی» نکره می گیرد. اسم در این حالت همیشه مفرد است. هیچ نیز با گونه و جنس و قسم و نوع و جور ترکیب می شود: هیچ نوع قلمی.

اسمی که بعد صفت های مبهم مرکب نظیر هر کدام از، بعضی از، هیچیک از، می آید همیشه جمع است: برخی از بچه ها، هیچیک از شاگردان.

اسمی که بعد از همه می آید. پسوند «ی» نکره می گیرد: همه کتابی ها. همه نیز با الفاظی نظیر گونه و جور ترکیب می شود. همه جور کتاب. اسم در این کاربرد همیشه مفرد است.

فلان با اسم مفرد یا اسمی که پسوند جمع دارد می آید. اسمی که بعد از فلان می آید از دیدگاه گوینده شناخته شده است: فلان خیابان، فلان کتابها.

برخی و بعضی با اسمی که پسوند جمع دارد می آیند: برخی پسرها، بعضی آدمها.

چند به تعدادی نامعلوم اشاره می کند. اسم بعد از چند مفرد است: چند دختر.

چندین در معنی چند و به همان صورت به کار می رود. چندین را هنگامی به کار می برند که بخواهند به تعداد فراوان از جنسی نامعلوم اشاره کنند و نتوانند آن را با لفظ چند بیان کنند.

چند کتاب خریدم (تعدادی نامعلوم) چندین کتاب خریدم (تعداد فراوان و نامعلوم)

دیگر و بسی و بسا که در سبک کهن گرا کاربرد دارد نیز صفت مبهم است. اسمی که بعد از آنها می آید مفرد یا با پسوند جمع همراه است: دیگر همسایه (همسایگان)، بسی کتاب (کتابها)، بسا رودخانه (ها).

۷-۱-۲- صفت تعجبی

این صفتها که شامل عجب و چه و چقدر هستند مفهوم شدت و کثرت و تحسین و تعجب را به اسم بعد از خود اضافه می کنند. اسم بعد از عجب و چه، مفرد یا جمع است و با «ی» نکره همراه است: چه پسری! عجب آدمهایی! اسمی که بعد از چقدر می آید همیشه مفرد است: چقدر انار!

۸-۱-۲- یک نکره

این صفت اسمهای شمردنی پس از خود را نکره می کند: یک کتاب، تفاوت یک نکره با یک غیر نکره در این است که اولاً شدت تکیه یک غیر نکره بیشتر از یک نکره است. ثانیاً صفت اشاره قبل از یک نکره نمی آید: همین یک مسافر. در این حال تکیه روی یک قرار گرفته است. ثالثاً صفت مبهم هر قبل از یک نکره نمی آید: هر یک نفر. در این حالت نیز تکیه روی یک قرار گرفته است.

پس از اسم بعد از یک نکره می توان «ی» نکره نیز قرار داد. یعنی اسم یا اسم و صفت مربوط به آن در بافت «یک...ی» قرار می گیرند: یک کتابی، یک کتاب مفیدی.

۲-۲- شیوه همنشینی وابسته های پیشین

۲-۲-۱- محدودیتهای همنشینی

چنانکه ذکر شد هشت نوع وابسته پیشین وجود دارد. با احتساب ممیزها که وابسته اعداد اصلی هستند و به شمار آوردن اعداد ترتیبی که نوعی عدد هستند تعداد وابسته های پیشین به ده می رسد. اما در همنشین شدن این وابسته ها با یکدیگر محدودیتهایی هست:

برخی وابسته های پیشین اسم را محدود و مشخص می کنند. نظیر صفت های اشاره، صفت های عالی، اعداد ترتیبی، برخی دیگر به اسمی نامحدود اشاره و آن را نامشخص می کنند. مانند صفت های مبهم و یک نکره. به عبارتی بعضی از این وابسته ها اسم را معرفی و بعضی دیگر نکره می کنند. غیر دستوری بودن ترکیباتی که اینک عرضه می شود به دلیل در کنار هم آمدن وابسته هایی است که منع... الجمع هستند:

این بعضی بچه ها، همان هر کتاب، هر همین کتاب

همنشین نشدن وابسته های معرفه ساز و نکره ساز همیشه صادق نیست: برخی صفت‌های مبهم باعث می شوند که اسم بعد از آنها به صورت جمع بیاید. این صفت‌ها را می توان با بعضی وابسته های معرفه ساز در کنار هم آورد و به طبقه ای از اسامی اشاره کرد. به این علت است که ترکیب‌هایی نظیر بعضی از بزرگترین کتابها و هر یک از تک پسرها متعارف و دستوری است.

بعضی از صفت‌های پرسشی نکره ساز را نیز می توان قبل از صفت‌های عالی و اعداد ترتیبی آورد و این هنگامی است که هسته گروه اسمی از نظر گوینده (پرسش کننده) متعدد باشد: کدامیک از تک پسرها؟ کدامیک از اولین ردیفها؟ کدام بزرگترین کتاب؟ کدام اولین دختر؟

بعضی صفت‌های اشاره (این، آن، همین، همان) را می توان قبل از صفت مبهم فلان آورد: این فلان پسر، همان فلان خیابان، از آنجایی که مصداق فلان از نظر گوینده مشخص است می توان آن را قبل از صفت‌های عالی و اعداد اصلی و ترتیبی آورد: فلان تک پسر، فلان سه پسر، فلان دومین کتاب.

برخی دیگر از محدودیت‌های همنشینی وابسته های پیشین از این قرار است:

اعداد اصلی و ترتیبی در کنار هم قرار نمی گیرند: دو چهارمین خانه.

صفت عالی نیز با اعداد اصلی و ترتیبی نمی آید: بزرگترین سه خانه. یگانه دومین خیابان.

هر یک از انواع وابسته های پیشین معمولاً فقط یکبار در هر گروه اسمی می آیند: این آن کتاب. کدام چگونه کتاب، بعضی هر کتاب، عجب چدر کتاب، بزرگترین تنها کتاب، دو چهار کتاب، اولین سومین کتاب.

در این مورد دو استثناء هست:

الف: برای رساندن مفهوم تقریب و تخمین می توان برخی اعداد اصلی را در کنار هم قرار داد. عدد کوچکتر در این حالت قبل از عدد بزرگتر می آید: دو سه کتاب، ده بیست تا کتاب، پنجاه شصت بار، پانصد ششصد تا جعبه، پنج شش هزار صندلی.

ب: بعضی شاخصها را نیز می توان در کنار یکدیگر قرار داد شهید آیت الله دکتر بهشتی. این گروه بسط پذیر است و بیش از سه شاخص را نیز می توان قبل از هسته آن آورد.

۲-۲-۲- ترتیب همنشینی وابسته های پیشین

صفت اشاره و صفت مبهم و صفت پرسشی و صفت تعجبی و یک نکره همواره اولین عنصر در گروه اسمی هستند. این وابسته ها با هم ترکیب نمی شوند و وجود هر یک از آنها در گروه اسمی به معنی شرکت نداشتن دیگری در گروه مذکور است: این بزرگترین کتاب، هر دو آقا پسر، کدام پنجمین خیابان، یک خانه ای.

دو استثناء در این مورد هست:

الف: چنانکه در بخش ۱-۲-۲ ذکر شد، صفتهای اشاره این و آن و همین و همان قبل از صفت مبهم فلان می آیند.

ب: بعضی از صفتهای مبهم (شامل برخی از، هر کدام از، هر یک از) را می توان قبل از بعضی صفتهای اشاره (شامل این و آن و همین و همان و چنین و چنان و یک چنین) آورد: بعضی از این بچه ها، برخی از همان کتابها، هر کدام از اینهمه قلم ها.

۲-۳- وابسته پسین

عناصری که در گروه اسمی پس از هسته می آیند وابسته های پسین نام دارند. این وابسته ها عبارتند از: صفت بیانی، «ی» نکره، مضاف الیه، بدل، گروه حرف اضافه، جمله ربطی.

۱-۲۳- صفت بیانی

صفت معمولاً با کسره اضافه پس از اسم می آید. کسره اضافه از این رو می توان ملاک شناسایی هسته باشد. یعنی اولین اسم دارای کسره اضافه را می توان هسته دانست: کتاب سودمند، شهر بزرگ، اعداد ترتیبی نوع اول نیز در همین دسته جای می گیرند (۲-۱-۳): خانه هارم، کتاب اول.

بعضی صفتها را برای تأکید بر آن قبل از موصوف می آورند و پسوند «ی» را به موصوف متصل می کنند: خوب پسری، بد تصادفی. در این ترکیبها، تکیه روی صفت قرار می گیرد.

گاهی کسره اضافه حذف می شود: آب گرم، جوجه محلی.

آوردن پسوند جمع یا نشانه، معرفه یعنی «ه» بعد از صفت یا هنگامی که صفت شغل یا لقب را برساند نیز از مواردی هستند که باء حذف همزه می شوند: کتاب بزرگهاف خیابان تنگه، علی باتری ساز، حسین صافکار.

۲-۳-۲- «ی» نکره

این پسوند را می توان هم پس از هسته آورد و هم پس از صفت مربوط به هسته: کتابی، خانه ای، کتاب سودمندی، هسته یا هسته و صفت مربوط به آن را دریافت «یک...ی» نیز می توان قرار داد. یعنی یک نکره را قبل و «ی» را پس از اسم قرار داد.

۲-۳-۳- مضاف الیه

مضاف الیه اسم یا ضمیری است که با کسره اضافه پس از هسته می آید: کلاس مدرسه، دفتر او. چنانچه پس از هسته صفت آمده باشد مضاف الیه بعد از صفت می آید: حیاط بزرگ خانه، کتاب مفید او. مضاف الیه می تواند وابسته هایی داشته باشد: خانه باغبان شهر ما، کتابخانه مدرسه زیبای این خیابان. مضاف الیه در اصل یک گروه اسمی است که به دنبال اسمی دیگر می آید.

گاهی که مضاف الیه جنس مضاف را می رساند می توان آن را به جای صفت به کار برد. مثلاً به جای ظرف نقره ای و کاسه مسی می توان ظرف نقره و کاسه و مس نیز به کار برد. به نظر می رسد دلیل قرار دادن اسم به جای صفت در ترکیبهای مذکور این باشد که صفت در چنین بافتی به رنگ موصوف نیز اشاره می کند.

مثالهایی نیز هست که مضاف الیه جنسیت مضاف را نشان می دهد. در این حالت مضاف الیه در معنای صفت بیانی به کار می رود: پزشک زن، معلم مرد، زن و مرد در این مثالها گسترش پذیر نیستند. در ترکیبی نظیر پزشک زن شهر، لفظ شهر مضاف الیه پزشک است نه زن. همچنین در ظرف نقره علی و انگشتر طلای او لفظ علی و او به ترتیب مضاف الیه ظرف و انگشتر هستند نه نقره و طلا.

۲-۳-۴- بدل

بدل اسم یا ضمیر یا گاهی صفتی است که بعد از هسته یا بعد از هسته و وابسته های آن می آید.

بدل بدون کسره اضافه به عناصر قبل از خود اضافه می شود:

باران، مایه امید مرد، زمین را سیراب کرد، ورزشکاران، همه، در مسابقه شرکت کردند. دخترک، بیچاره، کفش نداشت.

۲-۳-۵- گروه حرف اضافه

گروه حرف اضافه از یک حرف اضافه اسم یا گروه اسمی بعد از آن ساخته می شود: بحث درباره سلامت، پیامی از دوست علی، استاد در نقاشی.

۲-۳-۶- جمله ربطی

این وابسته با «که» آغاز می شود و پس از اسم می آید و توضیحی را به اسم اضافه می کند. گاهی قبل از «که» پسوند «ی» می آید: این کتاب که روی میز بود، کتابی که خوانده بودند.

جمله ربطی را اغلب می توان به صفت یا بدل تبدیل کرد:

خانه که محل اقامت ما بود خانه، محل اقامت ما

کتاب که روی میز بود - کتاب روی میز

۲-۴-۶ ترکیب همنشینی وابسته های پسین

وابسته های پسین به خلاف وابسته های پیشین محدودیتهای همنشینی ندارند و می توان هر شش وابسته را همزمان پس از هسته قرار داد. اما در ترتیب همنشینی این وابسته ها محدودیتهایی هست. چنانچه اسمی هر شش وابسته را داشته باشد ترتیب همنشینی آنها چنین خواهد بود: الف: اولین وابسته پسین صفت است: فرش زیبا، خیابان پنجم.

ب: دومین وابسته پسین «ی» نکره است. این پسوند پس از صفت می آید: کتاب مناسبی، بچه خوبی، این وابسته را قبل از وابسته اول - قبل از صفت - نیز می توان آورد: کتابی مناسب، بچه ای خوب.

ج: سومین وابسته پسین مضاف الیه است: فرش زیبای مدرسه، خیابان پنجم شهر.

اگر مضاف الیه جنس مضاف را برساند با توضیحی درباره مضاف بدهد می توان

جای آن را با صفت عوض کرد:

کاسه بزرگ مس - کاسه مس بزرگ.

پزشک زن حاذق - پزشک حاذق زن.

د: چهارمین وابسته پسین گروه حرف اضافه است: کتاب سودمند کتابخانه درباره علوم.

هنگامی که مضاف الیه در گروه اسمی باشد و تعلق را برساند می توان گروه حرف

اضافه را به صورت صفت در آورد و قبل از مضاف الیه قرار داد:

کتاب سودمند علی درباره علوم - کتاب سودمند درباره علوم علی

ه: پنجمین وابسته پسین بدل است: نمایند اول او مدرسه، آقای رضایی.

و: ششمین وابسته پسین جمله ربطی است: نماینده اول او در مدرسه، آقای رضایی، که

دیروز سخنرانی کرد.

پی نوشت ها:

۱- عدد یک و سه به این صورت ترتیبی می شود: اول، سوم، تلفظ عدد ترتیبی دو که

دوم نوشته می شود نیز چنین است: /dovvom/

۲- علامت ستاره در سمت راست و بالای ترکیبهای غیر دستوری می آید.

۳- به جز هزار هزار که در سبک کهن گرا به کار می رود.

۴- همه در این حالت بدون کسره اضافه است و ثانیاً اسمی که با آن می آید مفرد است.

اگر همه با کسره اضافه قبل از اسم بیاید محدودیتی از لحاظ مفرد یا جمع بودن اسم

وجود ندارد.

۵- بدیهی است که در این صورت دیگر نمی توان کسره اضافه را ملاک شناسایی هسته دانست.

۶- به مبحث یک نکره مراجعه شود (۲-۱-۸)

۸- سمائی (گروه اعداد در ترجمه ماشینی)

اعداد یکی از وابسته های پیشین و پسین در گروه اسمی هستند که ترکیبات پیچیده ای دارند. سمائی در نهایت در مقاله خود جدول ترکیب اعداد را به صورت زیر عرضه کرده است. این پژوهش در طرحی به نام *عدشکن فارسی* آمده است و نرم افزاری برای آن تهیه شده است.

اعداد اصلی شامل چهار طبقه اصلی و چند طبقه منفرداند:

گروه الف	گروه ب	گروه چ	گروه د	گروه هـ	گروه و
یک	ده	بیست	صد	هزار	میلیون
دو	یازده	سی	دویست		
سه	دوازده	چهل	سیصد		
چهار	سیزده	پنجاه	چهارصد		
پنج	چهارده	شصت	پانصد		
شش	پانزده	هفتاد	ششصد		
هفت	شانزده	هشتاد	هفتصد		
هشت	هفده	نود	هشتصد		
نه	هجده		نهمصد		
	نوزده				

قواعد گروه اعداد اصلی

مثال	قاعده ترکیب طبقات	
بیست و یک	ج + حرف عطف + الف	۱
سیصد و دو	د + حرف عطف + الف	۲
چهارصد و دوازده	د + حرف عطف + ب	۳
نهصد و سی	د + حرف عطف + ج	۴
هزار و پنج	ه + حرف عطف + الف	۵
هزار و سیزده	ه + حرف عطف + ب	۶
هزار و چهل	ه + حرف عطف + ج	۷
هزار و سیصد	ه + حرف عطف + د	۸
میلیون و سه	و + حرف عطف + الف	۹
میلیون و سیزده	و + حرف عطف + ب	۱۰
میلیون و سی	و + حرف عطف + ج	۱۱
میلیون و سیصد	و + حرف عطف + د	۱۲
میلیون و هزار	و + حرف عطف + ه	۱۳
سیصد و بیست و یک	د + حرف عطف + ج + حرف عطف + الف	۱۴
هزار و شصت و دو	ه + حرف عطف + ج + حرف عطف + الف	۱۵

هزار و صد و یک	ه + حرف عطف + د + حرف عطف + الف	۱۶
هزار و پانصد و شانزده	ه + حرف عطف + د + حرف عطف + ب	۱۷
هزار و هشتصد و هفتاد	ه + حرف عطف + د + حرف عطف + ج	۱۸
هزار و نهصد و هشتاد و یک	ه + حرف عطف + د + حرف عطف + ج + حرف عطف + الف	۱۹
میلیون و پنجاه و شش	و + حرف عطف + ج + حرف عطف + الف	۲۰
میلیون و سیصد و نه	و + حرف عطف + د + حرف عطف + الف	۲۱
میلیون و سیصد و سی	و + حرف عطف + د + حرف عطف + ب	۲۲
میلیون و هزار و دو	و + حرف عطف + ه + حرف عطف + الف	۲۳
میلیون و هزار و دوازده	و + حرف عطف + ه + حرف عطف + ب	۲۴
میلیون و هزار و سیصد	و + حرف عطف + ه + حرف عطف + د	۲۵
میلیون و هزار و چهل و دو	و + حرف عطف + ه + حرف عطف + ج + حرف عطف + الف	۲۶

۲۷	و + حرف عطف + ه + حرف عطف + د + حرف عطف + الف	میلیون و هزار و صد و دو
۲۸	و + حرف عطف + ه + حرف عطف + د + حرف عطف + ج	میلیون هزار و نه صد و سی
۲۹	الف + ه	دو هزار
۳۰	ب + ه	دوازده هزار
۳۱	ج + ه	چهل هزار
۳۲	د + ه	چهارصد هزار
۳۳	الف + ه	دو میلیون
۳۴	ب + و	سیزده میلیون
۳۵	ج + و	نود میلیون
۳۶	د + و	هشتصد میلیون
۳۷	ج + حرف عطف + الف + ه	پنجاه و دو هزار
۳۸	د + حرف عطف + الف + ه	سیصد و یک هزار
۳۹	د + حرف عطف + ب + ه	هزار و دوازده هزار
۴۰	د + حرف عطف + ج + ه	ششصد و پنجاه هزار
۴۱	د + حرف عطف + ج + حرف عطف + الف + ه	سیصد و سی و دو هزار
۴۲	ج + حرف عطف + الف + ه	سی و دو هزار

سیصد و سه میلیون	د+ حرف عطف + الف + و	۴۳
دویست و دوازده میلیون	د+ حرف عطف+ ب + و	۴۴
ششصد و سی میلیون	د+ حرف عطف + ج+ و	۴۵
پانصد و سی و دو میلیون ^۱	د+ حرف عطف+ ج+ حرف عطف + الف+ و	۴۶

^۱ پیش از قاعده های شماره ۹ تا ۱۳ و ۲۰ تا ۲۸ یکی از اعضاء گروه الف قرار می گیرد.

جدول مقایسه ای وابسته های پیشین

وابسته های پیشین در کارهای بررسی شده ، به منظور فراهم کردن امکان مقایسه آن ها

در جدول زیر ارائه می شود:

صادقی و ارژنگ	مشکوة الدینی	حق شناس و دیگران	سمائی (مقاله)
شاخص ها	وابسته وصفی	لقب ها (شاخص ها)	شاخص
اعداد اصلی (و ممیز)	وابسته عدد و ممیز	عددهای اصلی (و ممیز)	عدد (و ممیز) (شامل اصلی و ترتیبی)
عددهای ترتیبی و صفت های عالی	وابسته عدد ترتیبی و وابسته صفت برترین	عددهای ترتیبی و صفت های عالی	صفت عالی
صفت های اشاره	وابسته های اشاره	صفت های اشاره	صفت اشاره
صفت های پرسشی	وابسته های پرسشی	صفت های پرسشی	صفت پرسشی
صفت های تعجبی	وابسته های تعجبی	صفت های تعجبی	صفت تعجبی
صفت های مبهم	وابسته نامشخص	صفت های مبهم	صفت مبهم
یک نکره		یک نشانه نکره	یک نکره
		صفت ها بیانی	

فصل دوم

۱-۲- شیوه استخراج قواعد :

وابسته های پیشین مورد بررسی در این طرح در جدول شماره ۱ جمع بندی شده است:

جدول شماره ۱:

صفت اشاره		صفت مبهم		صفت پرسشی		اعداد	ممیز	صفت عالی
بسیط	این	بسیط	هر	بسیط	چند	اعداد اصلی	عدد	صفت + ترین
	آن		هیچ		چندمین	اعداد ترتیبی		یگانه
	همین		همه		چه			تنها
	همان		بعضی		چگونه			
مرکب	چنین	مرکب	برخی	مرکب	چه نوع			
	چنان		چند		چقدر			
	یک		چندین		کدام			
	چنین		بعضی از		کدامیک از			
	اینهمه	مرکب						
			برخی از					
			هریک از					
			هرکدام از					
			هیچیک از					
			هیچکدام از					

در رابطه با جدول شماره ۱ توجه به چند نکته ضروري است:

- ۱-صفت‌هاي تعجبي بيشتتر در سبك محاوره کاربرد دارد و در اين طرح بررسي نمي‌شود.
- ۲-بسا، بسي، فلان و بعضي ديگر از اعضاي طبقات به دلايل سبكي حذف شده‌اند.
- ۳-"يك نكره" به دلايل سبكي و نيز اين كه بايد با وابسته پسين "ي" بررسي شود، حذف شده- است.

۴- شاخص به دليل هم مقوله بودن با اسامي و لزوم اختصاص مولفه هاي معنايي انتزاعي به آن‌ها از فهرست قواعد حذف شده اند.

- ۵- دو نوع عدد ترتيبي وجود دارد كه در طرح واژه شكن و عددشكن از آن ها به عنوان عددترتبيبي نوع اول و عدد ترتيبي نوع دوم نام برده شده است. قاعده اعداد ترتيبي نوع اول و دوم در واژه شكن به ترتيب به صورت *عدد اصلي + وند ترتيب ۱ (پنجم)* و *عدد اصلي + وند ترتيب ۲ (پنجمين)* است. عدد ترتيبي نوع اول وابسته پسين و عدد ترتيبي نوع دوم وابسته پيشين است. در اين طرح منظور از عدد ترتيبي، عدد ترتيبي نوع دوم است.

وابسته هاي پيشين براي قرارگرفتن در کنار هم محدوديت هايي دارند. يعني هر وابسته اي ممكن است قبل و يا بعد از بعضي وابسته ها بيايد و در کنار بعضي ديگر قرار نگيرد. هم نشيني وابسته هاي پيشين ابتدا به صورت دو به دو بررسي شد كه حاصل آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است. قواعد ستاره دار مربوط به هم نشيني هاي غيرممكن است. براي سهولت كار قواعد هم نشيني هاي ممكن با قلم ضخيم تر نوشته شده اند و زير آنها خط كشيده شده است هم چنين اين قواعد در جدول شماره ۳ با ساير قواعد هم نشيني هاي مجاز ارائه شده اند. نکته ديگراين كه قواعد هم به صورت كلي و هم به صورت مبسوط نوشته شده اند. به طور مثال صفت اشاره شامل صفت اشاره بسيط و صفت اشاره مركب، و صفت مبهم شامل صفت مبهم بسيط و صفت مبهم مركب است. قاعده "صفت اشاره + صفت مبهم*" در واقع به اين معني است كه :

(صفت اشاره بسيط + صفت مبهم بسيط*)

(صفت اشاره بسيط + صفت مبهم مركب*)

(صفت اشاره مركب + صفت مبهم بسيط*)

(صفت اشاره مركب + صفت مبهم مركب*)

بدين ترتيب شرح قاعده كلي به صورت ايرانيك و داخل پرانتز بعد از قاعده كلي ارائه شده است.

جدول شماره ۲:

صفت اشاره بسیط + اعداد اصلي	صفت اشاره + صفت پرسشی*	صفت اشاره + صفت مبهم*
صفت اشاره مرکب + اعداد اصلي *	(صفت اشاره بسیط + صفت پرسشی بسیط*) (صفت اشاره بسیط + صفت پرسشی مرکب*) (صفت اشاره مرکب + صفت پرسشی بسیط*) (صفت اشاره مرکب + صفت پرسشی مرکب*)	(صفت اشاره بسیط + صفت مبهم بسیط*) (صفت اشاره بسیط + صفت مبهم مرکب*) (صفت اشاره مرکب + صفت مبهم بسیط*) (صفت اشاره مرکب + صفت مبهم مرکب*)
صفت اشاره + اعداد ترتیبي نوع اول*	صفت پرسشی بسیط + صفت اشاره*	<u>صفت اشاره بسیط + همه/ چند</u>
(صفت اشاره بسیط + اعداد ترتیبي نوع اول*) (صفت اشاره مرکب + اعداد ترتیبي نوع اول*)	(صفت پرسشی بسیط + صفت اشاره بسیط*) (صفت پرسشی بسیط + صفت اشاره مرکب*)	صفت مبهم بسیط + صفت اشاره*
اعداد + صفت اشاره*	<u>صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط</u>	(صفت مبهم بسیط + صفت اشاره بسیط*) (صفت مبهم بسیط + صفت اشاره مرکب*)
(اعداد اصلي + صفت اشاره بسیط*) (اعداد اصلي + صفت اشاره مرکب*) (اعداد ترتیبي نوع اول + صفت اشاره بسیط*) (اعداد ترتیبي نوع اول + صفت اشاره مرکب*)	صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره مرکب*	
		<u>صفت مبهم مرکب + صفت اشاره بسیط</u>

صفت مبهم مرکب + صفت اشاره مرکب*	صفت اشاره + صفت مبهم* (صفت اشاره بسیط + صفت مبهم بسیط*) (صفت اشاره بسیط + صفت مبهم مرکب*) (صفت اشاره مرکب + صفت مبهم بسیط*) (صفت اشاره مرکب + صفت مبهم مرکب*)	صفت اشاره + صفت مبهم* (صفت اشاره بسیط + صفت مبهم بسیط*) (صفت اشاره بسیط + صفت مبهم مرکب*) (صفت اشاره مرکب + صفت مبهم بسیط*) (صفت اشاره مرکب + صفت مبهم مرکب*)
صفت اشاره مرکب + اعداد اصلي *	صفت اشاره + صفت پرسشي* (صفت اشاره بسیط + صفت پرسشي بسیط*) (صفت اشاره بسیط + صفت پرسشي مرکب*) (صفت اشاره مرکب + صفت پرسشي بسیط*) (صفت اشاره مرکب + صفت پرسشي مرکب*)	صفت اشاره + صفت مبهم* (صفت اشاره بسیط + صفت مبهم بسیط*) (صفت اشاره بسیط + صفت مبهم مرکب*) (صفت اشاره مرکب + صفت مبهم بسیط*) (صفت اشاره مرکب + صفت مبهم مرکب*)
صفت اشاره + اعداد اصلي *	صفت اشاره + صفت پرسشي بسیط + صفت اشاره* (صفت اشاره بسیط + صفت اشاره بسیط*) (صفت اشاره بسیط + صفت اشاره مرکب*) (صفت اشاره مرکب + صفت اشاره بسیط*) (صفت اشاره مرکب + صفت اشاره مرکب*)	صفت اشاره بسیط + همه/ چند
اعداد + صفت اشاره* (اعداد اصلي + صفت اشاره بسیط*) (اعداد اصلي + صفت اشاره مرکب*) (اعداد ترتیبي نوع اول + صفت اشاره بسیط*) (اعداد ترتیبي نوع اول + صفت اشاره مرکب*)	صفت پرسشي مرکب + صفت اشاره بسیط (صفت پرسشي مرکب + صفت اشاره بسیط*) (صفت پرسشي مرکب + صفت اشاره مرکب*) (صفت پرسشي مرکب + صفت اشاره مرکب*)	صفت مبهم بسیط + صفت اشاره* (صفت مبهم بسیط + صفت اشاره بسیط*) (صفت مبهم بسیط + صفت اشاره مرکب*)
صفت پرسشي مرکب + صفت اشاره بسیط	صفت پرسشي مرکب + صفت اشاره	صفت مبهم مرکب + صفت اشاره مرکب*
	صفت پرسشي مرکب + صفت اشاره	

		صفت مبهم مرکب + صفت اشاره بسیط
		صفت مبهم مرکب + صفت اشاره مرکب*
صفت اشاره بسیط + اعداد اصلي	صفت اشاره + صفت پرسشي* (صفت اشاره بسیط + صفت پرسشي بسیط*) (صفت اشاره بسیط + صفت پرسشي مرکب*) (صفت اشاره مرکب + صفت مبهم بسیط*) (صفت اشاره مرکب + صفت مبهم مرکب*)	صفت اشاره + صفت مبهم* (صفت اشاره بسیط + صفت مبهم بسیط*) (صفت اشاره بسیط + صفت مبهم مرکب*) (صفت اشاره مرکب + صفت مبهم بسیط*) (صفت اشاره مرکب + صفت مبهم مرکب*)
صفت اشاره مرکب + اعداد اصلي*		
صفت اشاره + اعداد ترتیبي نوع اول* (صفت اشاره بسیط + اعداد ترتیبي نوع اول*) (صفت اشاره مرکب + اعداد ترتیبي نوع اول*)	صفت پرسشي بسیط + صفت اشاره* (صفت پرسشي بسیط + صفت اشاره بسیط*) (صفت پرسشي بسیط + صفت اشاره مرکب*)	صفت اشاره بسیط + همه/ چند
اعداد + صفت اشاره* (اعداد اصلي + صفت اشاره بسیط*) (اعداد اصلي + صفت اشاره مرکب*) (اعداد ترتیبي نوع اول + صفت اشاره بسیط*) (اعداد ترتیبي نوع اول + صفت اشاره مرکب*)	صفت پرسشي مرکب + صفت اشاره بسیط	صفت مبهم بسیط + صفت اشاره* (صفت مبهم بسیط + صفت اشاره بسیط*) (صفت مبهم بسیط + صفت اشاره مرکب*)
	صفت پرسشي مرکب + صفت اشاره	

	مرکب*	
		صفت مبهم مرکب + صفت اشاره بسیط
		صفت مبهم مرکب + صفت اشاره مرکب*
صفت پرسشی بسیط + اعداد* (صفت پرسشی بسیط + اعداد اصلي*) (صفت پرسشی بسیط + اعداد ترتیبي*) کدام + اعداد (کدام + اعداد اصلي) (کدام + اعداد ترتیبي)	صفت مبهم + صفت پرسشی* (صفت مبهم بسیط + صفت پرسشی بسیط*) (صفت مبهم بسیط + صفت پرسشی مرکب*) (صفت مبهم مرکب + صفت پرسشی بسیط*) (صفت مبهم مرکب + صفت پرسشی مرکب*)	صفت اشاره بسیط + صفت عالي
<u>صفت پرسشی مرکب + اعداد اصلي</u>	صفت پرسشی + صفت مبهم* (صفت پرسشی بسیط + صفت مبهم بسیط*) (صفت پرسشی بسیط + صفت مبهم مرکب*) (صفت پرسشی مرکب + صفت مبهم بسیط*) (صفت پرسشی مرکب + صفت مبهم مرکب*)	صفت اشاره مرکب + صفت عالي*
صفت پرسشی مرکب + اعداد ترتیبي*		
	صفت مبهم + اعداد* (صفت مبهم بسیط + اعداد اصلي*) (صفت مبهم بسیط + اعداد ترتیبي نوع)	صفت عالي + صفت اشاره* (صفت عالي + صفت اشاره بسیط*) (صفت عالي + صفت اشاره مرکب*)

	اول * () (صفت مبهم مرکب + اعداد اصلي *) (صفت مبهم مرکب + اعداد ترتیبي نوع اول *)	
صفت پرسشي بسیط + صفت عالي * صفت پرسشي مرکب + صفت عالي صفت پرسشي مرکب + یگانه/ تنها *	صفت مبهم + صفت عالي * (صفت مبهم بسیط + صفت عالي *) (صفت مبهم مرکب + صفت عالي *)	
کدام + صفت عالي چند/ چندمین + ممیز		
اعداد + صفت پرسشي * (اعداد اصلي + صفت پرسشي بسیط *) (اعداد ترتیبي نوع اول + صفت پرسشي مرکب *) (اعداد اصلي + صفت پرسشي بسیط *) (اعداد ترتیبي نوع اول + صفت پرسشي مرکب *)		
صفت عالي + صفت پرسشي * (صفت عالي + صفت پرسشي بسیط *) (صفت عالي + صفت پرسشي مرکب *)		
صفت پرسشي بسیط + اعداد * (صفت پرسشي بسیط + اعداد اصلي *) (صفت پرسشي بسیط + اعداد ترتیبي *) کدام + اعداد (کدام + اعداد اصلي)	صفت مبهم + صفت پرسشي * (صفت مبهم بسیط + صفت پرسشي بسیط *) (صفت مبهم بسیط + صفت پرسشي مرکب *) (صفت مبهم مرکب + صفت پرسشي)	صفت اشاره بسیط + صفت عالي

(کدام + اعداد ترتیبي)	بسيط*) (صفت مبهم مرکب + صفت پرسشي مرکب*)	
صفت پرسشي مرکب + اعداد اصلي	صفت پرسشي + صفت مبهم* (صفت پرسشي بسيط + صفت مبهم بسيط*) (صفت پرسشي بسيط + صفت مبهم مرکب*) (صفت پرسشي مرکب + صفت مبهم بسيط*) (صفت پرسشي مرکب + صفت مبهم مرکب*)	صفت اشاره مرکب + صفت عالي*
صفت پرسشي مرکب + اعداد ترتیبي*		
	صفت مبهم + اعداد* (صفت مبهم بسيط + اعداد اصلي*) (صفت مبهم بسيط + اعداد ترتیبي نوع اول*) (صفت مبهم مرکب + اعداد اصلي*) (صفت مبهم مرکب + اعداد ترتیبي نوع اول*)	صفت عالي + صفت اشاره* (صفت عالي + صفت اشاره بسيط*) (صفت عالي + صفت اشاره مرکب*)
صفت پرسشي بسيط + صفت عالي* صفت پرسشي مرکب + صفت عالي صفت پرسشي مرکب + یگانه/ تنها*	صفت مبهم + صفت عالي* (صفت مبهم بسيط + صفت عالي*) (صفت مبهم مرکب + صفت عالي*)	
کدام + صفت عالي چند/ چندمین + ممیز		

اعداد + صفت پرسشي* (اعداد اصلي + صفت پرسشي بسيط*) (اعداد ترتيبي نوع اول + صفت پرسشي مركب*) (اعداد اصلي + صفت پرسشي بسيط*) (اعداد ترتيبي نوع اول + صفت پرسشي مركب*)		
صفت عالي + صفت پرسشي* (صفت عالي + صفت پرسشي بسيط*) (صفت عالي + صفت پرسشي مركب*)		

سپس امکان هم نشینی همه وابسته های پیشین با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفت . جدول شماره ۳ شامل قواعد همه هم‌نشینی‌های مجاز است:

جدول شماره ۳:

صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط	صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط + همه/چند صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط + اعداد اصلي
صفت اشاره بسیط + اعداد اصلي	صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط + اعداد اصلي + ممیز
صفت اشاره بسیط + همه/چند	صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط + صفت عالي
صفت اشاره بسیط + صفت عالي	صفت پرسشی مرکب + اعداد اصلي
صفت پرسشی مرکب + اعداد اصلي	صفت پرسشی مرکب + صفت عالي
صفت مبهم مرکب + صفت اشاره بسیط	صفت پرسشی مرکب + اعداد اصلي + ممیز (اعداد اصلي + ممیز) (اعداد ترتیبي + ممیز)
اعداد + ممیز	کدام + اعداد + ممیز (کدام + اعداد اصلي + ممیز) (کدام + اعداد ترتیبي + ممیز)
کدام + اعداد (کدام + اعداد اصلي) (کدام + اعداد ترتیبي)	کدام + اعداد (کدام + اعداد اصلي) (کدام + اعداد ترتیبي)
کدام + صفت عالي	کدام + اعداد اصلي + ممیز
چند/چندمین + ممیز	

در جدول شماره ۴ برای قواعد بالا مثال ارائه شده است^۴:

جدول شماره ۴:

صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط
کدامیک از این کتاب ها
صفت اشاره بسیط + اعداد اصلی
این پنج کتاب
صفت اشاره بسیط + همه/چند
این همه/چند کتاب
صفت اشاره بسیط + صفت عالی
این بهترین کتاب
صفت پرسشی مرکب + اعداد اصلی
کدامیک از پنج کتاب
صفت پرسشی مرکب + صفت عالی
کدامیک از بهترین کتاب ها
صفت مبهم مرکب + صفت اشاره بسیط
بعضی از این کتاب ها
اعداد + ممیز
(اعداد اصلی + ممیز)
پنج جلد کتاب
(اعداد ترتیبی + ممیز)
پنجمین جلد کتاب
کدام + اعداد
(کدام + اعداد اصلی)
کدام پنج کتاب
(کدام + اعداد ترتیبی)
کدام پنجمین کتاب
کدام + صفت عالی

^۴ به منظور ملموس تر شدن مثال ها، وابسته ها با هسته (کتاب) همراه شده اند.

کدام بهترین کتاب
چند/چندمین + ممیز
چند/چندمین جلد کتاب
صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط + همه/چند
کدامیک از این همه/چند کتاب
صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط + اعداد اصلي
کدامیک از این پنج کتاب
صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط + اعداد اصلي + ممیز
کدامیک از این پنج جلد کتاب
صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط + صفت عالي
کدامیک از این بهترین کتاب ها
صفت پرسشی مرکب + اعداد اصلي + ممیز
کدامیک از پنج جلد کتاب
کدام + اعداد + ممیز
(کدام + اعداد اصلي + ممیز)
کدام پنج جلد کتاب
(کدام + اعداد ترتیبي + ممیز)
کدام پنجمین جلد کتاب

برای استفاده این قواعد در نرم افزار نخست باید وابسته های پیشین کد گذاری شوند.
(جدول شماره ۵):

جدول شماره ۵:

A10	صفت اشاره
A10a	صفت اشاره بسیط
A10b	صفت اشاره مرکب
A11	صفت مبهم
A11a	صفت مبهم بسیط
A11b	صفت مبهم مرکب
A11a1	همه/چند
A12	صفت پرسشی
A12a	صفت پرسشی بسیط
A12b	صفت پرسشی مرکب
A12a1	چند/چندمین
A12a2	کدام
A13	صفت عالی
A01S39	صفت + ترین
M	اعداد
M01	اعداد اصلی
A08 (M01S25)	اعداد ترتیبی
Q	ممیز

در رابطه با جدول شماره ۵ به نکات زیر توجه کنید:

۱- صفت عالی با همان کدگذاری مورد استفاده در واژه شکن کد گذاری شده است A13.

قاعده ساخت صفت عالی در واژه شکن A01S39 است. A01 "صفت" و S39 پسوند
"- ترین" است. °

۲- اعداد هم با کدگذاری مورد استفاده در واژه شکن در این جا کدگذاری شده‌اند.

° واژه شکن کلمات پیچیده فارسی را تجزیه و مقوله آن را مشخص می کند. واژه شکن ساخت های بالقوه خوش ساخت را دستوری می داند و مقوله آن را به دست می دهد هرچند که ممکن است این ساخت ها از لحاظ معنایی غیر متعارف باشد. تحقیقاتی از این دست علاوه بر اینکه خود مستقلا به کار می روند در تحقیقات گسترده تری نظیر ترجمه ماشینی و پردازش متون هم به کار می آیند.

با کمک این زبان میانجی قواعد را برای استفاده در نرم افزار بازنویسی می کنیم:

جدول شماره ۶:

صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط + همه/چند A12b+ A10a+A11a1 صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط + اعداد اصلي A12b+ A10a+M01 صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط + اعداد اصلي + ممیز A12b+ A10a+M01+Q صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط + صفت عالي A12b+ A10a+A13	صفت پرسشی مرکب + صفت اشاره بسیط A12b+ A10a صفت اشاره بسیط + اعداد اصلي A10a+M01 صفت اشاره بسیط + همه/ چند A10a+ A11a1 صفت اشاره بسیط + صفت عالي A10a+A13
صفت پرسشی مرکب + اعداد اصلي + ممیز A12b+ M01+Q	صفت پرسشی مرکب + اعداد اصلي A12b+M01
	صفت پرسشی مرکب + صفت عالي A12b+ A13
	صفت مبهم مرکب + صفت اشاره بسیط A11b+ A10a
کدام + اعداد + ممیز A12a 2+M+Q (کدام + اعداد اصلي + ممیز) (A12a 2+M01+Q) (کدام + اعداد ترتیبي + ممیز) (A12a 2+M01+A08)	اعداد + ممیز M+Q (اعداد اصلي + ممیز) (M01+Q) (اعداد ترتیبي + ممیز) (A08+Q)
	کدام + اعداد A12a 2+M (کدام + اعداد اصلي) (A12a 2+M01) (کدام + اعداد ترتیبي)

	(A12a 2+A08)
	کدام + صفت عالی A12a 2+A13
	چند/ چندمین + ممیز A12a1+Q

A12b+ A10a
A10a+M01
A10a+ A11a1
A10a+A13
A12b+M01
A12b+ A13
A11b+ A10a
M+Q (M01+Q) (A08+Q)
A12a 2+M (A12a 2+M01) (A12a 2+A08)
A12a 2+A13
A12a1+Q
A12b+ A10a+A11a1 A12b+ A10a+M01 A12b+ A10a+M01+Q A12b+ A10a+A13
A12b+ M01+Q
A12a 2+M+Q (A12a 2+M01+Q) (A12a 2+M01+A08)

نتیجہ گیری

در این طرح پژوهشی ابتدا به مطالعه و بررسی منابع موجود در زمینه گروه های اسمی و وابسته های پیشین پرداختیم. چکیده این مطالعات در يك جدول مقایسه ای ارائه شد.

وابسته های پیشین زبان فارسی (به جز آن هایی که با ذکر دلیل از این پژوهش کنار گذاشته شدند) در جدولی با ذکر مصداق هایشان در فصل دوم معرفی شدند. بنا بر ضرورت دسته بندی جدیدی از این وابسته ها ارائه کردیم. مبنای این دسته بندی رفتار نحوی وابسته ها بود یعنی این که مثلاً به صفت اشاره بسیط و صفت اشاره مرکب قائل شدیم. یا حتی در مواردی رفتار تنها يك عضو از يك گروه با رفتار سایر اعضا متفاوت بود مثل کدام، و به همین مناسبت در قسمت کد گذاری به صورت مجزا کد گذاری شد.

بر مبنای این فهرست ابتدا امکان هم نشینی هر گروه با گروه دیگر مورد سنجش قرار گرفت و سپس بر اساس آن امکان هم نشینی همه وابسته ها با یکدیگر.

برای استفاده از این قواعد در نرم افزار و برنامه ریزی رایانه ای به يك زبان میانی نیاز بود. ابتدا وابسته های پیشین با این زبان کد گذاری و سپس همه قواعد بازنویسی شد.

مشابه این کار در برنامه واژه شکن فارسی و عدد شکن (که نرم افزار آن ها تهیه شده و موجود است) و نیز فعل شکن فارسی انجام شده بود. از آن جایی که این طرح ها جزئی از يك سلسله پژوهش در حوزه پردازش زبان است کد گذاری قواعد به صورت يك دست انجام شد و نیز پایگاه داده های واحدی مورد استفاده قرار می گیرد. مثل صفت عالی در این طرح که قاعده آن از واژه شکن فارسی استخراج شد و برای لیست صفت ها و پسوند از پایگاه داده های همان نرم افزار استفاده خواهد شد.

فهرست منابع و مآخذ

- حق شناس، علي محمد، (۱۳۸۵). دستور زبان فارسي، وزارت آموزش و پرورش.
- سمائي، سيدمهدی، (۱۳۷۷). واژگان در دستور سنج، رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- _____، (۱۳۸۱)، پردازش گروه اسمی، فصلنامه اطلاع رسانی، دوره ۱۸، شماره ۱ و ۲.
- _____، (۱۳۸۴)، گروه اعداد در ترجمه ماشینی، فصلنامه اطلاع رسانی، دوره ۲۱، شماره ۱.
- صادقی، علی‌اشرف، (۱۳۵۶). دستور زبان فارسي (سال دوم فرهنگ و ادب)، انتشارات آموزش و پرورش.
- غلامعلی‌زاده، خسرو، (۱۳۸۰). ساخت زبان فارسي، انتشارات احیاء کتاب.
- ماهوئیان، شهرزاد، (۱۳۷۸). دستور زبان فارسي (از دیدگاه رده‌شناسی)، ترجمه سیدمهدی سمائي، نشر مرکز.
- مشکوة‌الدینی، مهدی، (۱۳۷۳). دستور زبان فارسي (بر پایه نظریه گشتاری)، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- میلانیان، هرمز، (۱۳۵۱). دستگاه عدد در زبان فارسي، سومین کنگره تحقیقات ایرانی.

Mahmoudi, S.M. (1994), Contribution au traitement automatique de la langue persane, these de doctorat, universite de Lyon II.

Payne, J. R. (2006), Noun Phrases, in Brown, Keith, Encyclopedia of linguistics, Elsevier, pp 714- 716.

Ramsay, A.M. (1991), Artificial intelligence, in Malmkjaer, K. (ed), the linguistics encyclopedia, Routledge.

Roak, Brian. & Richard Sproat (2007), Computational Approaches to Morphology and Syntax, Oxford University Press.